

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حریم عفاف

نویسنده:

حسین رشیدی

ناشر چاپی:

بیان الحق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حریم عفاف: حجاب از دیدگاه آیات و روایات
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	فلسفه حجاب
۹	چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟
۹	شخصیت و ارزش مقام زن در اسلام
۱۰	نقش اسلام در ارزش احیای زن
۱۱	حجاب از دیدگاه قرآن
۱۳	لباس در گذشته و حال
۱۳	کیفر نگاه کردن به زنان
۱۴	روش های ترویج حجاب
۱۴	پایه های حجاب
۱۴	آثار بی حجابی
۱۴	ریشه های بی حجابی
۱۵	راه های مبارزه با بی حجابی و بد حجابی
۱۵	رعایت مرز آزادی زنان
۱۵	چند نکته در مورد نکوهش چشم چرانی
۱۶	رسول اکرم(ص) بدترین زنان را به جابر معرفی می کند
۱۶	رابطه حجاب و غیرت
۱۷	اهمیت حجاب در اسلام
۱۷	سیمای حقیقی مسأله حجاب
۱۸	حجاب و اصل آزادی

۱۹	همسران پیغمبر
۲۰	شرکت زن در مجامع
۲۲	متانت و عفت بیان
۲۳	صفات زنان نادان در عصر پیغمبر اسلام(ص)
۲۳	مردان و زنان شهر نور
۲۳	سفارش خداوند به زنان
۲۴	عذاب سخت زنان بی عفت
۲۵	درباره عفت و حجاب
۲۵	عفت یا بهترین وسیله بزرگی و شخصیت
۲۶	بی غیرتی و بی حمیتی
۳۰	زنا بدتر از قتل نفس است
۳۰	رفع حجاب و هوای نفس

حریم عفاف: حجاب از دیدگاه آیات و روایات

مشخصات کتاب

سرشناسه: رشیدی، حسین عنوان و نام پدیدآور: حریم عفاف: حجاب از دیدگاه آیات و روایات / حسین رشیدی. وضعیت ویراست: [ویراست؟]. مشخصات نشر: قم بیان الحق ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص. شابک: ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ سی و یکم)؛ ۱۸۰۰۰ ریال چاپ سی و نهم ۹۶۴-۸۴۸۳-۴۸-۲؛ ۱۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۵۱-۱۷-۱؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ چهل و یکم)؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ چهل و دوم)؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ چهل و سوم و سوم یادداشت: چاپ قبلی: رازبان، ۱۳۸۵ (۱۲۸ ص.)). یادداشت: چاپ سی و یکم: ۱۳۸۷. یادداشت: چاپ سی و نهم: ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ چهل و یکم: ۱۳۸۴. یادداشت: چاپ چهل و دوم و چهل و سوم: ۱۳۸۹. یادداشت: عنوان روی جلد: حریم عفاف: حجاب از دیدگاه آیات و روایات همراه سوالات ویژه مسابقات فرهنگی. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان روی جلد: حجاب از دیدگاه آیات و روایات همراه سوالات ویژه مسابقات فرهنگی. موضوع: عفت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام موضوع: حجاب رده بندی کنگره: ۱۳۰۶۳۳۱/۵۵ BP۲۵۰/۵۵ ر ۴۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۶۳۳۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم تقدیم به: حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) و به شهدای دشت کربلاء شهدای شهدستان انار بالأخص شهدای شهرک امام حسن مجتبی (ع) الحمدلله الذی لا یبلغ مدحته القائلون و لا یحصی نعماء العادون و لا یودی حقه المجتهدون الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یناله غوص الفطن الذی لیس لصفته حد محدود و لا نعت موجود و لا وقت معدود و لا اجل ممدود فطر الخلاق بقدرته و نشر الرياح برحمته و وتد بالصخور میدان ارضه والصلوه و السلام علی خاتم الانبیاء و المرسلین محمد و آله اجمعین بسم الله الرحمن الرحيم الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی خاتم الانبیاء و المرسلین محمد و آله اجمعین صلوات الله علیهم اجمعین. پیامبران، فرشتگان الهی، کتابهای آسمانی و نورانی، زحمات بسیار و تحمل، رنجها و سختیها در طول تاریخ توسط برگزیدگان حضرت حق جل و اعلا برای تکامل و سعادت بشر بوده است. هزاران فرستاده پروردگار عالم با تحمل سخت ترین مشکلات و صبوری بسیار سعی در اصلاح انسان و برطرف کردن موانعی که در طول زندگی باعث می گردند که آدمی از صراط مستقیم خارج شود. آنها وظایف و مأموریت های خود را به احسن وجه انجام دادند و حال ما هستیم که برای آشنا شدن با مسیر هدایت و مشتاقی نسبت به سیر تکاملی بایستی قدمها را استوار برداریم و بدانیم اگر در این مسیر کوتاهی کنیم، پس فقط خود را به هلاکت، شقاوت و بدبختی رسانده ایم. فهم درست و درک صحیح از مبانی دینی برای این مهم ضروری و حیاتی است. چه بسا بوده اند و باشند کسانی که خود را دیندار می پندارند و همه جا پرچم دین را به همراه می کشند ولی عدم آشنایی ایشان با ضوابط دینی باعث گمراهی خود و دیگران شده است. پس در مرحله نخست بایستی دین را درک کرد و با ضوابط آن آشنا شد و در مرحله دوم برای انجام و تحقق این برنامه ها خود را آماده و مهیا سازیم و بدانیم که قدم در راه سعادت برداشتن و مخالف با هواهای نفسانی و ترک معاصی و دوری از شیطان و انجام فرائض دینی و عمل به دستورات الهی که خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد ممکن است در بسیاری از مراحل سختیهای خاص خود را به همراه داشته باشد. ولی چون مقصد را عالی می دانیم پس تحمل برای ما شیرین و لذت بخش می باشد. حجاب و پوشش در دین مبین اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اسلام به عنوان آخرین دین الهی برای حفظ فرد و جلوگیری جامعه از انحرافات که سرچشمه آنها بی حجابی و بی عفتی و عدم رعایت پوشش صحیح می باشد برنامه ای را به مردم داده است که این دستورالعمل شامل همه افراد بشر اعم از مرد و زن می باشد. اسلام برای

مردان پوششی را قرار داده است که مسلمان بایستی به آن دستور عمل کند و برای زنان و دختران نیز متناسب با جسم و روحیات آنها برنامه ای دارد. پر واضح است که جسم زن از لطافت و زیبایی خاصی برخوردار است که این ویژگیها البته متناسب با وظایف و مأموریتهای زن می باشد. او مادری مهربان می باشد و بایستی لوازم آنها نیز داشته باشد. پس این نعمت الهی را بایستی شکر کند و آنها حفظ نماید. زن در اسلام مقدس است البته به شرطی که خودش شرایط آنها داشته باشد. زن کانون مهر و محبت است و بایستی این نعمت را در جایگاه خودش مصرف نماید. زن مظهر زیبایی است و بایستی در مورد خودش بهره برداری گردد. زن در دیدگاه دنیاگران و کسانی که فقط به عالم ماده دل خوش کرده اند بسیار تحقیر شده است. زیرا از او به عنوان کالای تبلیغاتی و وسیله شهوترانی و غیره استفاده می کنند. اگر به فکر فرو رویم و اندکی دقت داشته باشیم می یابیم که همه جسارتها و تحقیرها علتی ندارد بجز دوری جستن از برنامه های دین و عمل نکردن به فرائض و شعائر دینی و مذهبی، اسلام می گوید: ای زن خودت را حفظ کن و زیورآلات و جسم زیبایت را برای همسر خودت نمایان کن و البته در مقابل همسرت به بهترین صورت ظاهر شو و خودت را از نگاه نامحرم که به تو به چشم دیگری می نگرند محفوظ بدار. البته در جامعه حضور داشته باش و نفس خودت را ایفا کن ولی بایستی به ابزار آن مجهز باشی و آن پوشش متناسب با جسم زنانه توست. حجاب اسلامی یعنی مصونیت و نه محدودیت و مثال حجاب برای زن به قلعه ای می ماند که مردم برای حفظ جان خویش می سازند. پس قلعه وسیله نجات است و در مسیر پر خار و خس زندگی که هر لحظه امکان دارد که پای تو بر تیغی بنشیند بایستی کفشی به پا کنی که پای جانت را از تیغهای شهوترانی و حرام آلود دیگران محفوظ بداری. اسلام به عنوان کامل ترین شریعت و به عنوان نمونه و سرمشق برای زنان الگویی را آورده است که در طول تاریخ همانند او را نخواهی یافت و او سیده و سرور زنان عالم است. او دختر رسول خداست که در دامان رسول الله (ص) پرورش یافته است و بررسی و مطالعه حالات این بزرگوار به خوبی چگونگی پوشش ظاهری و حیا و عفت را به زنان می آموزد. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نمونه بارز و کامل یک زن مسلمان است و زنان بایستی در زندگی خود به این کمپانی حیا و عفت تأسی داشته باشند. باشد که روزی در جامعه اسلامی شاهد بدحجابی نبوده و به رستگاری نزدیکتر شده باشیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته ۳۰/۱۱/۱۳۸۴ - قم المقدسه

فلسفه حجاب

بدون شک در عصر ما که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذاشته اند و افراد غریزه، بی بند و باری زنان را جزئی از آزادی او می دانند، سخن از حجاب گفتن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه ای است متعلق به زمانهای گذشته. ولی مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزون که از این آزادی های بی قید و شرط به وجود آمده، سبب شده که تدریجاً گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود. مسأله این است که آیا زنان (با نهایت معذرت) باید برای بهره کشی از طریق سمع و بصر و لمس - جز آمیزش جنسی - در اختیار همه مردان باشند و یا باید این امور مخصوص همسرانشان گردد؟ اسلام می گوید کامیابیهای جنسی، اعم از آمیزش و لذت گیری های سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می باشد که جمله "ذلک ازکی لهم" در آیه ۳۰ سوره نور اشاره به آن است. (۱) فلسفه حجاب امر مکتوم و پنهانی نیست زیرا: ۱- برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشو و گری و امثال آن را به همراه دارد؛ مردان مخصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می گردد. مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده تا آنجا که گفته اند: «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است.» آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این

کار عاقلانه ای است؟ ۲- آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زنانشویی در دنیا به طور مداوم بالا رفته است، زیرا در «بازار آزاد ۱- نور، ۳. برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی «لااقل در مرحله غیر آمیزش جنسی» در آمده اند قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی تواند داشته باشد. ۳- گسترش دامنه فحشاء و افزایش فرزندان نامشروع از دردناکترین پیامدهای بی حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است. ۴- مساله «ابتذال زن» و «سقوط شخصیت او» در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است، هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواهد طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون تر از او دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسیت و سیله تبلیغ کالاها و دکور اتاقهای انتظار و عاملی برای جلب جهان گردان و سیاحان و مانند اینها قرار بدهد، در چنین جامعه ای شخصیت زن تا سرحد یک عروسک یا یک کالای بی ارزش سقوط می کند و ارزشهای والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایی اش می شود و به این ترتیب مبدل به وسیله ای خواهد شد برای اشباع هوسهای سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان نماهای دیو صفت، در چنین جامعه ای چگونه یک زن می تواند با ویژگیهای اخلاقی اش، علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و حایز مقام والایی گردد. (۱) ۱- برگرفته از تفسیر نمونه.

چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟

زیرا حجاب بهترین حافظ و حصاری است که زن را از خطر بیگانه حفظ می کند و زن بی حجاب همچون میوه درختی است که شاخه آن از دیوار باغ به بیرون آویزان است و هر رهگذری به سوی آن دست دراز می کند یا مانند گلی است که هر کس به چیدن آن تمایل دارد. (۲) پوشیده بودن زن در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتذال و تباهی او نیز می باشد. حجاب برای زنان مانند صدفی است که گوهر وجودش را از گزند خطرهای آسیب ها در برابر نامحرمان و بیگانگان مصونیت بخشیده و بیمه اش می نماید و به جامعه خصوصاً جوانان، آرامش می بخشد و مانع هرگونه گسترش فساد و گرایش به فحشاء می شود. ۲- نکته های نورانی، حسین دیلمی، ص ۵۲.

شخصیت و ارزش مقام زن در اسلام

«ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابیرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهن و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیما.» (۱) هنگامی که اسماء بنت عمیس همسر جعفرین ابی طالب (علیه السلام) با شوهرش از حبشه بازگشت به دیدن همسران پیامبر (ص) آمد، یکی از نخستین سؤالاتی که مطرح کرد این بود آیا چیزی از آیات قرآن درباره زنان نازل شده است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه. اسماء به خدمت پیامبر (ص) آمد عرض کرد ای رسول خدا جنس زن گرفتار خسران و زیان است. پیامبر فرمود: چرا؟ عرض کرد: به خاطر اینکه در اسلام و قرآن فضیلتی درباره ۱- احزاب/۳۵. آنها همانند مردان نیامده است. اینجا بود که آیه نازل شد و به آنها اطمینان داد که زن و مرد در پیشگاه خدا از نظر قرب و منزلت یکسان هستند. در این آیه سخنی جامع و پر محتوا درباره همه زنان و مردان و صفات برجسته آنها بیان شده است و ضمن برشمردن ده وصف از اوصاف اعتقادی و اخلاقی و عملی آنان پاداش عظیم آنها در پایان آیه برشمرده است. می گوید: «مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مومن و زنان مومنه.» «ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات» اشاره به این است که اسلام همان اقرار به زبان است که انسان را در صف مسلمین قرار می دهد و مشمول احکام آنها می کند ولی ایمان تصدیق به قلب و دل است و اعمالی که به دنبال آن می آید. و مردانی که مطیع فرمان خدا هستند و زنانی که از فرمان حق اطاعت می کنند. «و القانتین و القانتات» سپس بر یکی

دیگر از مهمترین صفات مومنان راستین یعنی حفظ زبان پرداخته و می گوید: «و مردان راستگو و زنان راستگو» «و الصادقین و الصادقات» و از آنجا که ریشه ایمان صبر و شکیبایی در مقابل مشکلات است و نقش آن در معنویات انسان همچون نقش «سری است در برابر «تن». پنجمین وصف آنها را اینگونه بازگو می کند و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا «و الصابرين و الصابرات» از طرفی می دانیم یکی از بدترین آفات اخلاقی کبر و غرور و حب جاه است و نقطه مقابل آن «خشوع». لذا در ششمین توصیف می فرماید: و مردان با خشوع و زنان با خشوع «و الخاشعين و الخاشعات». گذشته از حب جاه، حب مال نیز آفت بزرگی است و اسارت در چنگال آن اسارتی است دردناک و نقطه مقابل آن نفاق و کمک کردن به نیازمندان است لذا در هفتمین توصیف می گوید: «و مردان انفاق گر و زنان انفاق کننده» «و المتصدقین و المتصدقات». سه چیز است که اگر انسان از شر آن در امان بماند از بسیاری از شرور و آفات اخلاقی در امان است. زبان و شکم و شهوت جنسی. به قسمت اول در چهارمین توصیف اشاره شد اما به قسمت دوم و سوم در هشتمین و نهمین وصف مومنان راستین اشاره کرده می گوید: «و مردانی که روزه می دارند و زنانی که روزه می دارند». «و الصائمین و الصائمات» «و مردانی که دامن خود را از آلودگی به بی عفتی حفظ می کنند و زنانی که عقیف و پاکند». «و الحافظین فروجهم و الحافظات» سرانجام به دهمین و آخرین صفت که تداوم تمام اوصاف پیشین بستگی به آن دارد پرداخته می گوید: «و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند». «و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات» آری! آنها با یاد خدا در هر حال و در همه شرایط پرده های غفلت و بی خبری را از قلب خود کنار می زنند، وسوسه ها و همزات شیاطین را دور می سازند و اگر لغزشی از آنان سرزند فوراً در مقام جبران بر می آیند. در پایان آیه، پاداش بزرگ این گروه از مردان و زنانی را که دارای ویژگی های ده گانه فوق هستند چنین بیان می کند: «خداوند برای آنها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است». «اعدالله لهم مغفره و اجرا عظیما». نخست با آب مغفرت گناهان آنها را که موجب آلودگی روح و جان آنها است می شوید سپس پاداش عظیمی که عظمتش را جز او کسی نمی داند در اختیارشان می نهد. «لذین لایومنون بالآخره مثل السوء و لله المثل الاعلی و هو العزیز الحکیم». «سرانجام ریشه این همه آلودگی ها و بدبختی ها را چنین معرفی می کند که این همه زاییده عدم ایمان به آخرت است و برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند صفات زشت است». «لذین لا یومنون بالآخره مثل السوء» «و برای خداوند صفات عالی است». «و لله المثل الاعلی» «و او قادر حکیم است». «و هو العزیز الحکیم» فراموش کردن خدا و همچنین فراموش کردن دادگاه عدل او انگیزه همه پستی ها و زشتی ها و انحراف ها و خرافات است.

نقش اسلام در ارزش احیای زن

تحقیر و در هم شکستن زن تنها در میان عرب جاهلی نبود بلکه در میان اقوام دیگر و حتی شاید متمدن ترین ملل آن زمان نیز زن شخصیتی ناچیز داشت و غالباً با او به صورت یک کالا و نه یک انسان رفتار می شد البته عرب جاهلی این تحقیر را در اشکال زننده تر و حشتناک تری انجام می داد. ولی اسلام ظهور کرد و با این خرافه در ابعاد مختلفش سرسختانه جنگید و خود پیامبر (ص) آن قدر به دخترش - بانوی اسلام فاطمه زهرا(س) - احترام می گذاشت که مردم تعجب می کردند. با تمامی مقامی که داشت، دست دخترش را می بوسید و به هنگام مراجعت از سفر نخستین کسی را که دیدار می کرد دخترش فاطمه بود. در حدیثی از پیامبر (ص) می خوانیم: «فرزند خوبی است دختر، هم پر محبت است، هم کمک کار، هم مونس است و هم پاک و پاک کننده». در حقیقت این احترام به شخصیت زن سبب آزادی او در جامعه و پایان دادن به دوران بردگی زنان است. ولی با نهایت تأسف هنوز در جوامع اسلامی آثاری از همان افکار جاهلی وجود دارد و هنوز کم نیستند خانواده هایی که از تولد پسر خوشحال و از نوزاد دختر ناراحت می شوند. حتی در جوامع غربی که تصور می کنند برای زن شخصیت والایی قائلند، عملاً می بینیم او را آنچنان تحقیر کرده اند که به صورت یک عروسک بی ارزش یا وسیله ای برای خاموش کردن آتش شهوت و یا ابزاری برای تبلیغ کالاهایشان در آوردند. (۱)

قرآن زنده گذاردن دختران و سر بریدن پسران بنی اسرائیل را عذاب می خواند و آزادی از این شکنجه را نعمت خویش می شمارد، گویا می خواهد هشدار دهد که انسانها باید سعی کنند آزادی صحیح خویش را به هر قیمت که هست به دست آورند و حفظ نمایند. چنانچه علی(ع) به این مطلب در گفتار خود اشاره می فرماید: «زنده بودن و زیر دست بودن برای شما مرگ است و مرگ برای شما در راه به دست آوردن آزادی زندگی است.» اما دنیای امروز با گذشته این فرق را دارد که در آن زمان فرعون با استبداد مخصوص خود پسران و مردان را از جمعیت مخالفش می گرفت و دختران آنها را آزاد می گذارد. ولی در دنیای امروز تحت عناوین دیگری روح ۱- نحل/۶۰. مردانگی در افراد کشته می شود و دختران به اسارت شهوات افراد آلوده در می آیند. «و اذا نجیناکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب یذبون ابناءکم و یتحیون نساءکم و فی ذلکم من ربکم عظیم.» (۱) قرآن در این آیه به یکی دیگر از نعمت های بزرگی که به قوم بنی اسرائیل ارزانی داشته اشاره می کند و آن، نعمت آزادی از چنگال ستمکاران است که از بزرگترین نعمتهای خدا است به آنها یادآور می شود که به خاطر بیاورید زمانی را که شما را از دست فرعونیان نجات بخشیدیم همان ها که دائماً شما را به شدیدترین وجهی آزار می دادند. پسران را سر می بریدند و زنان شما را برای کنیزی و خدمت زنده نگه می داشتند و در این ماجرا آزمایش سختی از سوی پروردگارتان برای شما بود. قرآن این جریان را یک آزمایش سخت و عظیم برای بنی اسرائیل می شمرد یکی از معانی (بلا) آزمایش است و به راستی تحمل این همه ناملازمات آزمایش سختی بوده است. ۱- بقره/۹۰.

حجاب از دیدگاه قرآن

بعضی که در ظاهر نمی توانند قرآن را منکر شوند و در عالم عوامی خود در هر مسأله ای می گویند در کجای قرآن چنین نوشته است با اینکه عمده احکام از روایات و گفتار پیامبر(ص) و ائمه اطهار به دست می آید. از این رو لازم است که در اینجا به طور فشرده و خلاصه مسأله حجاب را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم. «قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون» از امام باقر(ع) چنین نقل شده است که؛ جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد، چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد، باز همچنان به پشت سر خود نگاه می کرد ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکاف با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر(ص) می روم و این ماجرا را بازگو می کنم هنگامی که چشم رسول خدا(ص) به او افتاده فرمود: «چه شده است؟» و جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام جبرئیل - پیک وحی - خدا نازل شد و آیه فوق را آورد. در رابطه با این آیه می توان اینگونه تفسیر کرد؛ مبارزه با چشم چرانی و ترک حجاب پیش از این سوره نور در حقیقت سوره عفت و پاکدامنی و پاکسازی از انحرافات جنسی است در اینجا احکام نگاه کردن و چشم چرانی و حجاب را بیان می دارد: نخست می گوید «به مؤمنان بگو چشم های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند.» «قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» و از آنجا که چرا اسلام از این کار که با شهوت و خواست دل بسیاری هماهنگ است نهی کرده در دنباله آیه می فرماید: این برای آنها پاکیزه تر است. «ذلک ازکی لهم.» سپس به عنوان اخطار برای کسانی که نگاه هوس آلود و آگاهانه به زنان نامحرم می افکنند و گاه آن را غیر اختیاری قلمداد می کنند می گوید: «خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.» «ان الله خبیر بما یصنعون» (۱) و در آیه بعد به شرح وظایف زنان در این زمینه می پردازد. ۱- نور/۳۰. نخست به وظایفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده و می گوید: «و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند و دامن خود را حفظ نمایند.» «قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یخفظن فروجهن» و به این ترتیب چشم چرانی همان گونه که بر مردان حرام است بر زنان نیز حرام می باشد و پوشاندن عورت از نگاه دیگران چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است. سپس به مسأله حجاب که از ویژگی زنان است ضمن

سه جمله اشاره فرموده: ۱- و آنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار که طبیعتاً ظاهر است. «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» بنابراین زنان حق ندارند زینت هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند، هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب حتی آشکار کردن لباس های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت هایی نهی کرده است. ۲- حکم دیگری که در آیه بیان شده این است که، «و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود» «ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن» از این جمله استفاده می شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها یا پشت سر می افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می شد. قرآن دستور می دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. ۳- در سومین حکم، مواردی را که زنان می توانند در آنجا حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان خود را آشکار سازند با این عبارت شرح می دهد: «و آنها نباید زینت خود را آشکار سازند» «ولا یبدین زینتهن» مگر در دوازده مورد: ۱- برای شوهرانشان «الا لبعولتهن» ۲- یا پدرانشان «او آبائهن» ۳- یا پسرانشان «او ابنائهن» ۴- یا پدر شوهرانشان «او اباء بعولتهن» ۵- یا پسران همسرانشان «او ابناء بعولتهن» ۶- یا برادرانشان «او اخوانهن» ۷- یا پسران برادرانشان «او بنی اخوانهن» ۸- یا پسران خواهرانشان «او بنی اخواتهن» ۹- یا زنان همکیششان «اونسائهن» ۱۰- یا بردگانشان، کنیزانشان «او ما ملکت ایمانهن» ۱۱- یا مردان سفیهی که تمایلی به زن ندارند «او التابعین غیر اولی الا ربه من الرجل» ۱۲- یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند «او الطفل الذین لم یظهوروا علی عورات النساء» ۴- و بالاخره چهارمین حکم را چنین بیان می کند «آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود.» و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد «ولا یضربن با رجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن» آنها در رعایت عفت آنچنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند. و سرانجام به دعوت عمومی همه ی مؤمنان اعم از مرد و زن به توبه و بازگشت به سوی خدا، آیه را به پایان داده و می گوید: «همگی به سوی خدا باز گردید، ای مؤمنان تا رستگار شوید.» «وتوبوا الی الله جمیعاً ایة المومنون لعلکم تفلحون.» و اگر در گذشته کارهای خلافی در این زمینه انجام داده اید اکنون از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح به سوی خدا آیید که رستگاری تنها بر در خانه اوست. (۱) یکی دیگر از آیاتی که در قرآن دلالت بر وجوب حجاب و پوشش برای زن می کند آیه: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذالک ادنی ان یعرفن فلا یوذین.» آن ایام زنان مسلمان به مسجد می رفتند و پشت سر پیامبر (ص) نماز می گذاردند، هنگام شب، موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر آنها می نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می دادند و مزاحم آنها می شدند. آیه نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. اخطار شدید به مزاحمان و شایعه پراکنان به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا (ص) و مؤمنان (در آیات قبل از این آیه) در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه کرده و برای پیشگیری از آن از دو طریق اقدام می کند. در قسمت اول می گوید: «ای پیامبر به همسران و ۱- نور/ ۳۱. دختران و زنان مؤمنین بگو جلبابه های (۱) بلند خود را بر خویش فرو افکنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.» و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنان سر زده توبه کنند. هدف این است که زنان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب، آنچنان بی پروا و لا ابالی هستند که غالباً قسمت هایی از بدن های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند. و از آنجا که نزول این حکم، جمعی از زنان با ایمان را نسبت به گذشته پریشان می ساخت در پایان آیه می افزاید: «خداوند همواره آمرزنده و مهربان است» «و کان الله غفوراً رحیم» هر گاه از شما تاکنون در این امر کوتاهی شده چون بر اثر جهل و نادانی بوده است خداوند شما را خواهد بخشید توبه کنید و به سوی او بازگردید و وظیفه عفت و پوشش را به ۱- روسری های بلند. خوبی انجام دهید. (۱) و آیه دیگر که در مورد پوشش و

حجاب دلالت دارد آیه: (۲) «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر» نخست به همان مسأله لباس و پوشانیدن بدن که در سرگذشت آدم نقش مهمی داشت اشاره کرده و می فرماید: ای فرزند آدم! ما لباسی برای شما فرو فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و زشتی های بدنتان را پنهان می سازد، ولی فایده این لباس که برای شما فرستاده ایم تنها پوشاندن تن و مستور ساختن زشتی ها نیست، بلکه مایه زینت شمایست. لباس تجمل و زینت که اندام شما را زیباتر از آنچه هست نشان می دهد. به دنبال این جمله که درباره لباس ظاهری سخن گفته است قرآن بحث را به لباس معنوی کشانده و آنچنان که سیره قرآن در بسیاری از موارد است هر دو جنبه را به هم می آمیزد و می گوید: «لباس پرهیزکاری و تقوا از آن هم بهتر است.» «و لباس التقوی ذلک خیر.» ۱- احزاب / ۵۹. ۲- ۲- اعراف / ۲۶. تشبیه تقوا و پرهیزکاری به لباس، تشبیه بسیار رسا و گویایی است، زیرا همانطور که لباس هم بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می کند. هم سپری است در برابر بسیاری از خطر ها و هم عیوب جسمانی را می پوشاند و هم زینتی است برای انسان روح تقوا و پرهیزکاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می شود، زینتی است که چشمگیر که بر شخصیت او می افزاید. منظور از لباس تقوا همان روح تقوا و پرهیزکاری است که جان انسان را حفظ می کند و معنی حیا و عمل صالح و امثال آن در آن جمع است. در پایان آیه می فرماید: «این لباسهایی که خدا برای شما قرار داده اعم از لباس مادی و معنوی لباس جسمانی و لباس تقوا همگی از آیات و نشانه های خداوند متعال است تا بندگان متذکر نعمت های پروردگار شوند.» «ذلک من آیات الله لعلهم یذکرون» (۱) ۱- اعراف / ۲۶.

لباس در گذشته و حال

تا آنجا که تاریخ نشان می دهد همیشه انسان لباس می پوشیده است، ولی وسایل تولید لباس در عصر ما به قدری متنوع شده و توسعه یافته است که با گذشته اصلاً قابل مقایسه نیست و متأسفانه جنبه های فرعی و حتی نامطلوب و زننده لباس چنان گسترش یافته که فلسفه اصلی لباس را تحت شعاع خود قرار می دهد. لباس عاملی شده برای انواع تجمل پرستیها، توسعه افراد، تحریک شهوات، خودنمایی و تکبر و اسراف و تبذیر و امثال آن، حتی گاهی اوقات لباس هایی در میان جمعی از مردم دیده می شود که جنبه جنون آمیز آن بر جنبه عقلانیش برتری دارد و به همه چیز شباهت دارد جز لباس. مساله مد پرستی در لباس نه تنها ثروت های زیادی را به کام خود فرو می کشد بلکه قسمت مهمی از وقتها و نیروهای انسانی را نیز بر باد می دهد. اگر این هشدارها موثر نپذیرد یا نشود این آیه «و ما ارسلنا فی قریه من بنی الا اخذنا اهلها بالباساء و الضراء لعلهم یصرعون» به چند اصل کلی اشاره دارد که در همه ماجراها حکومت می کند نخست می گوید: «وما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتی ها و خسارت ها گرفتار ساختیم شاید به خود آیند و به سوی خدا باز گردند و تضرع کنند.» و این به خاطر آن است که مردم در ناز و نعمتند، کمتر گوش شنوا و آمادگی برای پذیرش حق دارند، اما هنگامی که در تنگنای مشکلات قرار می گیرند و نور فطرت و توحید آشکارتر می گردد، بی اختیار به یاد خدا می افتند و دلهایشان آماده پذیرش می گردد ولی این بیداری که در همه یکسان است در بسیاری از افراد زودگذر و ناپایدار است و به مجرد برطرف شدن مشکلات بار دیگر در خواب غفلت فر می روند، ولی برای جمعی نقطه عطفی در زندگی محسوب می شود و برای همیشه به سوی حق باز می گردند. (۱) ۱- اعراف / ۹۴.

کیفر نگاه کردن به زنان

«عقاب النظر الی النساء» «عن علی بن عقبه عن ابیه، عن ابی عبدالله علیه اسلام قال: سمعته یقول: النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم من نظره اورثت حسره طویله» علی بن عقبه به نقل از پدرش روایت کرده است که امام صادق (ع) فرمود: «نگاه تیری از تیرهای

زهرآلود ابلیس است و چه بسا یک نگاه کوتاه حسرت و اندوه طولانی را به همراه داشته باشد.» شایسته آن است که در این قبیل موارد با ذکر این نکته که خداوند بهتر می داند و یا اینکه خداوند از حقایق امور آگاه است خود را آلوده به تأویلاتی نکنیم که خدای ناخواسته پی آمدهای ناگواری را به همراه داشته باشد. (۱) ۱- عقاب الاعمال، ص ۶۷۰.

روش های ترویج حجاب

۱- آموزش حجاب در مدارس ۲- تشویق ۳- فعالیت های علمی، فرهنگی، هنری ۴- ترویج فرهنگ غیرت «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجاره»، نگهداری خویش به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوت سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. (۱) پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «خداوند بینی هر یک از مؤمنین را که غیرت نمی ورزند به خاک می مالد.» و نیز می فرماید: «غیرت از ایمان است» (۲). ۵- نظارت لازم بر رسانه های جمعی ۶- فعالیتهای مؤثر قوای سه گانه ۷- تقویت پایه های حجاب ۸- امر به معروف و نهی از منکر. ۱- تحریم/ ۲- عقاب الاعمال، ص ۶۷۰.

پایه های حجاب

۱- ایمان به خدا و آخرت: ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهمترین پایه های حجاب به شمار می رود. وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد، احکامی که برای انسان تشریع کرده است، بدون نقص و دارای فواید و آثار مثبتی است و همچنین باور کند که بی توجهی به احکام خدای تعالی خزلان دنیا و عذاب آخرت را به همراه دارد از حکم الهی حجاب استقبال می کند. امیرمؤمنان علی (ع) فرموده است: «انسان به وسیله ایمان به کارهای خوب رهنمون می گردد.» ۲- آگاهی ۳- تقوا: پرهیزگاری یکی دیگر از پایه های حجاب اسلامی است. تقوای آدمی ضامن اجرای احکام خداست و تا این پایه قوی در قلب خانمی شکل نگیرد، لباس تقوا در بر نخواهد کرد. ایمان بدون تقوا، انسان را به سر منزل مقصود نخواهد رساند. حضرت امیرمؤمنان علی (ع) می فرمایند: «لا ینفع الایمان بغیر تقوی» ایمان بدون تقوا سودی نمی بخشد. و در حدیث دیگری فرمودند: «شرفی بالاتر از تقوا نیست» تحصیل تقوا در گرو علم و عمل به معارف الهی، قرائت آیات و روایات محاسبه نفس و استمداد از خدا و توسل به پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) است. (۱) ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

آثار بی حجابی

۱- عقده مند کردن مردان ۲- سقوط شخصیت ۳- تزلزل خانواده ها ۴- بلوغ زودرس جنسی جوانان ۵- تکذیب آیات الهی ۱- اصول کافی، باب مذمت دنیا و زهد در آن. ۶- احساس پوچی ۷- ایجاد غفلت ۸- عقاب آخرت ۹- بد آموزی

ریشه های بی حجابی

۱- هوسرانی: امیرمؤمنان علی (ع) می فرمایند: «کسی که بر شهوات پیش گیرد آفت ها بر او سرعت می گیرند» و در جای دیگر فرمودند: «اگر از هوای نفس خود اطاعت کنی کر و کورت می کند و آخرت تو را تباه می گردانند و هلاکت می سازند.» (۱) ۲- کسب موقعیت ۳- ضعف ایمان ۴- دیگر آزاری ریشه خودنمایی و بدحجابی بسیاری از زنان عقده، دیگر آزاری است. ۵- ارضای تمایلات ۶- صید دل های مردان ۷- غرب زدگی ۱- غرر الحکم ۸- زیبایی ۹- ازدواج ۱۰- ضعف حیا: این صفت از سستی اعتقاد به مبدأ و معاد سرچشمه می گیرد. امام صادق (ع) فرموده است: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.» (۱) بی حجابی از مصادیق بارز بی

حیایی است که از ضعف ایمان ناشی می شود. امام صادق(ع) فرمود: «بی شرمی مرکز نفاق و سنگدلی و کفر است.» (۲) پیامبر اکرم(ص) فرموده است: «خدا حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد.» (۳) ۱۱- اظهار غنای مالی ۱۲- سرسپردگان دشمنان اسلام ۱۳- تبلیغات استعماری ۱۴- وسوسه های شیطانی ۱۵- مدگرایی ۱۶- ضعف غیرت ۱۷- خانواده ۱۸- تقلید ۱- اصول کافی، باب حیا. ۲- مصباح الشریعه، باب حیا. ۳- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۳.

راه های مبارزه با بی حجابی و بد حجابی

۱- مبارزه بی امان با استعمار غرب و غرب زدگی. ۲- آگاهی بخشی در مورد تقسیم آزادی به آزادی صحیح و غلط و سوق دادن انسان ها به خصوص نسل جوان به گزینش آزادی صحیح و مفید نه آزادی غلط و زیان بخش. ۳- تقویت باور فکری و عملی زنان بر این اساس که حجاب اسلامی هرگز در مورد کار و تلاش در عرصه های مختلف زندگی. ۴- نشان دادن ارزش های والا و راستین انسانی و اسلامی. ۵- تربیت و تزکیه نفوس با برنامه های اخلاق اسلامی و ارضاء و اشباع هوس ها و غرایز از راه های صحیح و معقول اسلامی. ۶- احیای فرهنگ اصیل اسلامی. ۷- نشان دادن الگوهای کامل و سالم و جایگزینی آنها به جای الگوهای دروغین. ۸- تقویت اعتماد به نفس و استقلال فکری و دوری از خودباختگی. ۹- تقویت نیروی تفکر و فراخوانی زنان به تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل های منطقی که موجب استقلال فکری و زیست محتوایی گردد. ۱۰- تقویت اراده در پرتو ایمان و عبادات و اعتقاد به خدا و دوری از هر گونه عوامل سستی و بی ارادگی نیز تا حد زیادی می تواند موجب نجات انسان از پرتگاهها گردد.

رعایت مرز آزادی زنان

حضرت علی(ع) در یکی از سخنان خود در مورد حفظ کانون خانواده به امام حسین(ع) می گوید: «به زن خانواده بیشتر از اندازه شان آزادی مده، زیرا رعایت اندازه برای حال زن مفیدتر و برای فکرش سالمتر و برای زیبائیش بادوامتر خواهد بود، چه آنکه زن ریحانه است نه قهرمانه، (یعنی لطیف و آسیب پذیر است و باید آن را حفظ کرد) در عین حال مواظب باش که به شخصیت او ضربه نزینف یعنی نه او را محروم کن و نه اجازه آزادی بیش از حد به او بده.» (۱) به چه علت علی(ع) زن را به عنوان گل و ریحانه خطاب کردند؟ زیرا چنانچه گل مظهر نشاط و طراوت است، زن نیز مظهر عاطفه و احساسات با طراوت است. همانطور که گل لطیف و ظریف و آسیب پذیر است زن نیز به لحاظ لطافت روحی و جسمی باید از کارهای خشن و سخت به دور باشد. گل برای محفوظ ماندن از آسیب ها نیاز به حفظ و مراقبت دارد زن نیز لازم است برای محفوظ ماندن از آسیب ها و خطرها با عفاف و با حجاب باشد. زن اگر در جای خلوتی نماز می خواند باید حجاب را کامل رعایت کند به چند دلیل: ۱- یک امر تبعیدی است. ۲- بهترین حالت زن در نزد خداوند در حال حجاب است. ۳- تمرینی باشد تا در مقابل نامحرمات نیز چنین حالتی را رعایت کند. ۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

چند نکته در مورد نکوهش چشم چرانی

۱- رسول خدا(ص) فرمود «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن تركها خوفا من الله اعطاه الله ايمانا يجد حلاوته في قلبه.» نگاه به نامحرم تیری زهر آگین از تیرهای شیطان است، هر کس از خوف به خداوند از نگاه به نامحرم خودداری کند، خداوند به او ایمانی عطا می کند که او شیرینی ایمان را در قلبش می یابد. (۱) امام صادق(ع) فرمود: «نگاه به نامحرم تیر زهر آگین از تیرهای شیطان است و چه بسیار نگاهی که موجب حسرت طولانی شده است.» (۲) امیرمومنان علی(ع): «عمی البصر خیر من کثیر النظر» «کوری چشم بهتر از بسیار نگاه کردن به نامحرم است.» (۳) رسول اکرم(ص) فرمودند: «کل عین باکيه يوم القيامة الا ثلاثة اعین: عین تکبت

من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله و عین باتت ساهره فی سبیل الله» هر چشمی در روز قیامت گریان است جز سه چشم: ۱- چشمی که در دنیا از خوف خدا گریسته است. ۲- چشمی که از نگاه به حرام خدا خودداری نموده است. ۳- چشمی که در راه خدا، شب زنده داری نموده است. ۱- بحار، جلد ۱۰۴. ۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۳۸. ۳- بحار، جلد ۷۷، ص ۲۸۴.

رسول اکرم(ص) بدترین زنان را به جابر معرفی می کند

بدترین زنان از زبان پیامبر اکرم(ص): «جابر بن عبدالله می گوید: پیامبر(ص) به من فرمود: می خواهی تو را از بدترین زنان خبر بدهم و چنین زنانی دارای این خصلتها هستند: ۱- آن زنی که در میان خانه اش خوار و ذلیل است ولی نسبت به شوهرش سرکش و شرور است. ۲- زنی که نازا است. ۳- زنی که از کارهای زشت بیم و ترسی ندارد. ۴- هنگامی که شوهرش غایب شد حجاب خود را حفظ نمی کند ولی در حضور شوهر رعایت حجاب می نماید، از شوهرش اطاعت نمی کند، تمکین نمی نماید و عذر شوهر را نمی پذیرد و لغزش شوهرش را نمی بخشد.» (۱) ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۸. امام علی(ع) فرمود: «یک شخص نابینا به در خانه حضرت زهرا(س) آمد و اجازه خواست که به حضورش برسد. حضرت زهرا(س) خود را پوشانید پیامبر(ص) به او فرمود: «چرا خود را می پوشاندی! او نابینا است و تو را نمی بیند» حضرت فاطمه(س) گفت: «اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم وانگهی او بوییدنی ها را استشمام می کند.» رسول خدا(ص) از گفتار حضرت زهرا(س) آنچنان شاد و خرسند شد که فرمود: «اشهد انک بضعه منی» گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی و نتیجه می گیریم که بهترین و زیباترین و باصفاترین زندگی برای زنان در پرتو سخن پر مغز حضرت زهرا(س) خلاصه می شود که صلاح زن است که نه او مرد بیگانه را ببیند و نه بیگانه او را ببیند. (۱) عصمتیان را به مقام جلالجلوه حرام است مگر با حلال دیده به هر روی نباید گشادپای به هر کوی نباید نهاد این همه آفت که به تن می رسد از نظر تو به شکن می رسد روی فرو پوش چو در در صدفنا نشوی تیر بلا را هدف ۱- نوادر راوندی، ص ۱۳.

رابطه حجاب و غیرت

یکی از صفات نیک اخلاقی و انسانی، صفت غیرت است. غیرت یعنی انسان در حفظ ناموس خود بکوشد و زنان در این جهت جدی باشند و از بی بند و باری پرهیز کنند و هرگز روح آنها نپذیرد که نگاه افراد سبک سر و هرزه به موی و روی آنها بیفتد. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: «کتب الله الجهاد علی رجال امتی و الغیره علی نساء امتی ضمن صبر منهم واحتساب اعطاء الله اجر شهید» (۱) خداوند قانون جهاد را برای مردان امت من و غیرت را برای زنان امت من مقرر کرد. آن مردی که در راه جهاد و آن زنی که در حفظ غیرت استقامت ورزید و هر کدام برای خدا ۱- نوادر راوندی، ص ۳۷، بحار، جلد ۱۰۳، ص ۲۵۰. وظیفه خود را به خوبی انجام دادند، خداوند پاداش شهید را به او خواهد داد. «والمغافل علی زوجته و هو الدیوث» «و آن شوهری که در مورد همسرش غفلت می کند و مراقب حجاب و عفت او نیست چنین شوهری بی غیرت است.» سپس فرمود: «اقتلوا الدیوث» «بی غیرت را بکشید» و باید توجه داشت که علاوه بر اینکه زن موظف است حجاب خود را حفظ کند، شوهر نیز موظف است وسائل حجاب او را فراهم نماید و این حق است از زن بر عهده شوهر. چنانکه پیامبر(ص) فرمود: «حق زن بر شوهرش این است که شوهر غذای او را به او برساند و وسایل حجاب او را تأمین کند و با چهره عبوس و زشت به او نگاه نکند. اگر با همسر خود چنین نمود سوگند به خدا حق همسرش را ادا نموده است.» (۱) ای آنکه غیرت مردی است به سرمگذار عیالت رود از خانه بدر هر میوه که از باغ برون آرد سردر میوه او طمع کند رهگذر در حدیثی از رسول خدا(ص): «بدترین زنان شما زنی است که در مقابل خویشان مطیع باشد، لکن عقیم و کینه توز باشد، از کارهای زشت پروا نداشته باشد، در غیاب شوهرش زینت و آرایش کند، در خلوتگاه از خواسته های شوهرش امتناع ورزد، عذرش را نپذیرد و گناهایش را نبخشد.» ۱- فقه الرضا، ص ۳۳.

اهمیت حجاب در اسلام

از شگفت انگیزترین و تأسف بارترین فرازها و فرودها در تاریخ انسان، قصه پر غصه مرد، همکار، یار و یاور او که با تمامی سختیهای بارداری و بچه داری بار سنگین زندگی را نیز به دوش کشیده و در خانه و مزرعه، همراه مرد به فعالیت پرداخته است. در بسیاری از ادوار تاریخی و از طرف اقوام بسیاری مورد اهانت و تحقیر قرار گرفته است. به خصوص زمان قبل از ظهور اسلام، یکی از تاریک ترین دوران برای زنان بود، چه در امپراطوری روم و یونان و چه در ایران و سرزمین جزیره العرب و سایر مناطق جهان. یکی از مهمترین تحولاتی که اسلام ایجاد کرد؛ تحول در نگرش انسان ها نسبت به زنان بود. اسلام نه تنها جلو قربانی کردن و کشتن زنان و دختران را گرفت بلکه کرامت و شخصیت پایمال شده زن را به او باز گرداند و عقاید خرافی را که بعضاً تا دوران های نزدیک به عصر ما هم در اروپا باقی بود نفی کرده و ردّ نموده است. یکی از عقایدی که در آن دوران به شدت رایج بود و تورات هم آن را بیان کرد و مسیحیان نیز آن را پذیرفته اند، این بود که منشأ اولین گناه موجب آلوده شدن اولین انسان وسوسه های زن بوده است. تورات ضمن بیان قصه حضرت آدم می گوید: «شیطان به سراغ آدم رفت ولی او فریب نخورد، سپس به سراغ حوا مادر آدمیان رفت و حوا فریفته شد و شوهر خود حضرت آدم را به گناه کشید. بنابراین زن سرچشمه شرور سلاح شیطان معرفی می شد، اما قرآن ضمن بیان داستان حضرت آدم وسوسه شیطان را نسبت به هر دو به طور مساوی ذکر کرد و هیچ گاه حوا را وسیله فریفته شدن آدم ندانست و بدین گونه دامن زن را از گناه اولیه پاک کرد.» (۱) و باز در قرآن می فرماید: «در دنیای آن روزگار به خصوص در جزیره العرب هیچ نقشی برای زنان در به وجود آمدن فرزند قائل نبودند و تنها مردان را ظرف غذایی برای فرزندان اعراف، ۲۰. می دانستند و طبیعتاً مادر حقی نسبت به فرزندان نداشت. قرآن با احکام اینکه انسان به وجود آمده، از مرد و زن است (۱) سهم پدر و مادر را در این مسأله، مساوی دانسته است و حتی در برخی روایات حق مادر را مقدم بر حق پدر قرار داده است. و در جایی دیگر از قرآن وجود زن را از آیات و نشانه های خداوند اعلام کرده است و وجود او را موجب تسکین و آرامش مرد معرفی نموده و محبت بین زن و مرد را از الطاف الهی (۲) و این در حالی بود که در فکر رایج آن زمان زن دروازه جنهم و کفو شیطان و سر منشأ فساد تلقی می شد. با وجود زحمات طاقت فرسایی که همواره به دوش زن بوده است زن در دنیای قدیم و حتی در اروپا تا اواخر قرن نوزدهم حق تملک هیچ گونه ثروتی را نداشت و بلکه بالاتر، خود به عنوان کالا و شیء به تملک دیگران در می آمد. اسلام مالکیت زن را به رسمیت شناخت. (۳) و شوهر را از هر گونه تصرف در اموال وی منع نمود. (۴) ۱- حجرات، ۱۳. ۲- روم، ۲۰. ۳- نساء، ۳۲. ۴- نساء، ۱۹.

سیمای حقیقی مسأله حجاب

حقیقت امر این است که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را به استثنای زنا ببرد یا نه؟ اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است. و زنان از اینکه مردان را در خارج از قانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند. درست است که صورت ظاهر مسأله این است که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آن کس که مسأله به نام او عنوان می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن جز از جهت زنا

آزادی مطلق داشته باشد یا نه و لا- اقل مرد از زن در این مساله ذی نفع تر است. به قول ویل دورانت: «دامنهای کوتاه برای همه جهانیان بجز خیاطان نعمتی است.» پس روح مسأله، محدودیت کامیابیهای به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است. از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمت کامل بین زوجین می گردد و از اجتماع موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانوادگی، و بعضی جنبه اجتماعی و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او. حجاب در اسلام از یک مسأله کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد و آن این است که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد اجتماع منحصرراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذتجوییهای جنسی به هم می آمیزد اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

حجاب و اصل آزادی

ایراد دیگری که بر حجاب گرفته اند این است که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار میرود. می گویند احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی شریف و آزاد است مرد باشد یا زن سفید باشد یا سیاه تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی اعتنایی به حق آزادی او اهانت به حیثیت انسانی اوست و به عبارت دیگر ظلم فاحش است به زن. عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن و همچنین حکم متطابق عقل و شرع به اینکه هیچ کس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد و ظلم به هیچ شکل و به هیچ صورت و به هیچ بهانه نباید واقع شود ایجاب می کند که این امر از میان برود. پاسخ: یک بار لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می خواهد با مرد بیگانه مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یا وظیفه ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود. اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی زن یا مرد مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زندان کردن» یا «بردگی» نمی توان نامید و آن منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی توان دانست. در کشورهای متمدن جهان در حال حاضر چنین محدودیتهایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برهنه یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیژامه بیرون آید پلیس ممانعت کرده و به عنوان اینکه این عمل برخلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلاً با لباس کامل بیرون بیایند چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به شمار می رود. بر عکس پوشیده بودن زن در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است موجب کرامت و احترام بیشتر اوست زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می دارد. شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین و سنگین و با وقار باشد در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند زباندان لباس نپوشد، زباندان راه نرود، زباندان و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد چه آنکه گاهی اوقات ژستها سخن می گویند راه رفتن انسان سخن می گوید طرز حرف

زدنش یک حرف دیگری می زند. اول از تیپ خودم که روحانی هستم مثال می زنم: اگر یک روحانی برای خودش قیافه و هیكلی برخلاف آنچه عادت و معمول است بسازد، عمامه را بزرگ و ریش را دراز کند، عصا و ردایی با هیمنه و شکوه خاص به دست و دوش بگیرد، این ژست و قیافه خودش حرف می زند، می گوید برای من احترام قائل شوید، راه برایم باز کنید، مؤدب بایستید، دست مرا ببوسید. همچنین است حالت یک افسر با نشانه های عالی افسری که گردن می افرازد، قدمها را محکم به زمین می کوبد، باد به غبغب می اندازد، صدای خود را موقع حرف زدن کلفت می کند. او هم زباندار عمل می کند. به زبان بی زبانی می گوید: از من بترسید، رعب من را در دلهای خود جا دهید. همین طور ممکن است زن یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که اطوار و افعالش حرف بزند فریاد زنند که به دنبال من بیا سربسر من بگذار متلک بگو در مقابل من زانو بزن اظهار عشق و پرستش کن. آیا حیثیت زن ایجاب می کند که اینچنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود حواس پرت کن نباشد و نگاههای شهوت آلود مردان را به سوی خود جلب نکند برخلاف حیثیت زن یا برخلاف حیثیت مرد یا برخلاف مصالح اجتماع یا برخلاف اصل آزادی فرد است؟ آری اگر کسی بگوید زن را باید در خانه حبس و در را به رویش قفل کرد و به هیچ وجه اجازه بیرون رفتن از خانه به او نداد البته این با آزادی طبیعی و حیثیت انسانی و حقوق خدادای زن منافات دارد. چنین چیزی در حجابهای غیر اسلام بوده است ولی در اسلام نبوده و نیست. شما اگر از فقها پرسید آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است، جواب می دهند نه. اگر پرسید آیا خرید کردن زن ولو اینکه فروشنده مرد باشد حرام است یعنی نفس عمل بیع و شراء زن اگر طرف مرد باشد حرام است، پاسخ می دهند حرام نیست. آیا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات ممنوع است؟ باز هم جواب منفی است چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می کنند و کسی نگفته است که صرف شرکت کردن زن در جاهایی که مرد هم وجود دارد حرام است. آیا تحصیل زن فن و هنر آموختن زن و بلاخره تکمیل استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده است حرام است؟ باز جواب منفی است. فقط دو مساله وجود دارد یکی اینکه باید پوشیده باشد و بیرون رفتن بصورت خودنمایی و تحریک آمیز نباشد. و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفتن زن به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم زن می خواهد به خانه خواهر خود برود و فی المثل خواهرش فرد مفسد و فتنه انگیزی است که زن را علیه مصالح خانوادگی تحریک می کند. تجربه هم نشان می دهد که این گونه قضایا کم نظیر نیست. گاهی هست که رفتن زن به خانه مادرش نیز برخلاف خانوادگی است. همینکه نفس مادر به او برسد تا یک هفته در خانه ناراحتی می کند بهانه می گیرد زندگی را تلخ و غیر قابل تحمل می سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرتهای زیانبخش که زیانش نه تنها متوجه مرد است، متوجه خود زن و فرزندانشان نیز می باشد جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارد.

همسران پیغمبر

آیات اصلی مربوط به وظیفه پوشش همان آیات سوره نور بود که بیان شد آیاتی چند هم در سوره احزاب است که می توان آنها را در حاشیه این مطلب ذکر کرد. قسمتی از این آیات مربوط است به زنان رسول خدا و قسمت دیگر دستورهایی است که درباره حفظ حریم عفاف وارد شده است. در این دو آیه مخاطب زنان پیغمبر اکرم (ص) می باشند: «ای زنان پیغمبر! شما همچون سایر زنان نیستید اگر پرهیزکار باشید مواظب باشید که در سخن نرمش زنانه و شهوت آلود به کار نبرید که موجب طمع بیمار دلان گردد. به خوبی و شایستگی سخن بگویید. در خانه های خویشان قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین به خودنمایی و خود آرای از خانه بیرون نشوید» مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر در خانه نیست، زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است

که پیغمبر زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود. مقصود از این دستور آن است که زن به منظور خود نمایی از خانه بیرون نشود و مخصوصاً در مورد زنان پیغمبر اکرم (ص) این وظیفه سنگینتر و موکدتر است. آیه ۵۳ سوره احزاب چنین است: عربهای مسلمان بی پروا وارد اتاق های پیغمبر می شدند؛ زنهای پیغمبر (ص) هم در خانه بودند. آیه نازل شد که اولاً سرزده و بدون اجازه وارد خانه پیغمبر نشوید و اگر برای صرف غذا دعوت شدید به موقع بیایید و بعد هم برخیزید و بروید و به قصه گویی و صحبت های متفرقه وقت نگیرید زیرا این امور پیغمبر را ناراحت می کند و او شرم می کند شما را از خانه بیرون کند ولی خدا از شما شرم نمی کند. ثانیاً وقتی می خواهید چیزی را از زنان پیغمبر پشت پرده بخواهید بدون اینکه داخل اتاق شوید. این کارها برای پاکیزگی دل شما و دل آنها بهتر است. شما نباید پیغمبر را آزار دهید و نه زنان او را پس از درگذشت پیغمبر به زنی بگیرید که این کارها در نزد خدا بزرگ است. در این آیه کلمه «حجاب» ذکر شده است. همان طوری که قبلاً گفتیم در کلمات قدما هر جا سخن از آیه حجاب است مقصود همین آیه است. دستور حجاب که در این آیه است غیر از دستور «پوشش» است که مورد بحث ما می باشد. دستوری که در این آیه ذکر شده است راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور مرد نباید وارد جایگاه زنان شود بلکه اگر چیزی می خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار صدا بزند. این مسأله ربطی به بحث «پوشش» که در اصطلاح فقه نیز تحت عنوان «ستر» نه (حجاب) نامیده می شود ندارد. جمله «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» مانند جمله «وان يستعففن خیر لهن» که در آیه ۶۰ از سوره نور آمده است دلالت می کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است رعایت نمایند به تقوا و پاکی نزدیکتر است. همان طور که گفتیم رخصتهای تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است نباید رجحان اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد.

شرکت زن در مجامع

ادله موافق و مخالف را تا آنجا که لازم بود ذکر کرده ایم. از مجموع آنچه گفتیم دو مطلب کاملاً دستگیر شد. یکی اینکه اسلام به اهمیت و ارزش فوق العاده پاکی و لزوم قانونی بودن روابط جنسی زن و مرد چه بصورت نظر و چه به صورت لمس و چه به صورت شنیدن و چه به صورت همخوابی توجه کامل دارد به هیچ وجه راضی نمی شود با هیچ نام و عنوانی خدشه ای بر آن وارد شود. اما دنیای امروز این ارزش فوق العاده انسانی را ندیده گرفته است و در عین اینکه دودش به چشمش می رود نمی خواهد به روی خود بیاورد. جهان امروز به نام «آزادی زن» و صریحتر «آزادی روابط جنسی» روح جوانان را سخت فاسد کرده است. به جای اینکه این آزادی به شکستن استعدادها کمک کند به شکل دیگر و به صورت دیگر غیر آنچه در قدیم وجود داشت نیروها و استعداد های انسانی را هدر داده است و می دهد. زن از کنج خانه بیرون آمده اما به کجا رو آورده است؟ به سینماها، کنار دریاها، حاشیه خیابانها، مجالس شب نشینی! زن امروز به نام «آزادی» خانه را خراب کرده بدون اینکه مدرسه یا جای دیگر را آباد کرده باشد اگر غلط نکنم آنجا را نیز خراب کرده است. در اثر این بی بند و باری و دور افکندن قیود انسانی از راندمان تحصیل جوانان کاسته شده جوانان از تحصیل و مدرسه فراری شده اند، جنایتهای عشقی فراوان شده، بازار سینماها رونق گرفته، جیب کارخانه داران مولد لوازم آرایش پر شده، ارزش رقاصه ها و کولیها صد برابر دانشمندان و متفکران و مصلحان اجتماعی شده است. اگر می خواهید بدانید چنین هست یا چنین نیست آنگاه که رقاصه ای وارد کشور می شود با آنگاه که دانشمندی نظیر پروفیسور برنارد متخصص معروف پیوند قلب وارد می شود مقایسه کنید و عکس العمل جوانان را در هر دو مورد ببینید. (۱) مطلب دیگر اینکه: اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد - همان طور که روش این آئین پاک خدایی است یک آئین معتدل و متعادل است و از هر افراط و تفریطی بدور است و امتش را «امت وسط» می خواند - از جنبه های دیگر غافل نمی شود.

زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی کند. در ۱- حجاب، شهید مطهری، ص ۲۰۲. بعضی موارد شرکت آنها را واجب می کند مانند حج که بر زن و مرد متساویاً واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد و در بعضی موارد به ترخیص اکتفا می کند. چنانچه می دانیم جهاد بر زنان واجب نیست مگر وقتی که شهر و حوزه مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صددرصد دفاعی به خود بگیرد. در این صورت همان طور که فقها فتوا می دهند بر زنان نیز واجب می شود. (۱) ولی در غیر این صورت واجب نیست. در عین حال رسول خدا به برخی از زنان اجازه می داد که در جنگها برای کمک به سربازان و مجروحین شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه هست. بر زنان واجب نیست که در نماز جمعه شرکت کنند مگر آنکه حضور به هم رسانند. بعد از حضور واجب است شرکت کنند و ترک نکنند. (۲) بر زنان واجب نیست که در نماز عیدین شرکت کنند ولی از شرکت کردن ممنوع نمی باشند. برای زنان صاحب هیئت و ۱- رجوع شود به سالک اول کتاب جهاد. ۲- وسائل ج ۱، ص ۴۵۶. جمال شرکت در این مجامع مکروه است. (۱) پیغمبر اکرم زنان خود را با قید قرعه به سفر می برد. بعضی از اصحاب نیز چنین می کردند. (۲) پیغمبر اکرم از زنان بیعت گرفت ولی با آنها مصافحه نکرد دستور داد ظرف آبی آوردند دست خود را در آن فرو برد و دستور داد زنان دست خویش در آب فرو برند همین را بیعت شمرد. (۳) عایشه گفت هرگز دست پیغمبر در همه عمر دست یک زن بیگانه را لمس نکرد. زنان را از تشییع جنازه منع نکرد گو اینکه آن را لازم هم نشمرد. رسول خدا ترجیح داد زنان در تشییع جنازه شرکت نکنند. در عین حال در موارد خاصی دختر بزرگ اکرم وفات کرد. زهرای مرضیه سلام الله علیها و زنان مسلمانان ۱- وسائل ج ۱، ص ۴۷۴. ۲- صحیح بخاری ج ۷، ص ۴۳. (همه مورخین این مطلب را نوشته اند) ۳- این جریان نیز مورد اتفاق مورخین و مفسرین است مورخین ضمن وقایع فتح مکه و مفسرین ذیل آیه ۱۲ از سوره ممتحنه ذکر کرده اند - ایضاً کافی ج ۵، ص ۵۲۶. آمده اند و بر وی نماز خواندند. (۱) از نظر روایات شیعه برای زنان جوان شرکت در تشییع جنازه مکروه است علمای اهل تسنن از ام عطیه نقل کرده اند که گفت: رسول اکرم ما را توصیه کرد که در تشییع جنازه شرکت نکنیم ولی منع نفرمود. (۲) اسماء دختر یزید انصاری از طرف زنان مسلمان مدینه مأمور شد به نمایندگی آنان نزد رسول خدا برود و پیام گلایه آمیز زنان مدینه را به رسول خدا ابلاغ کند و جواب بگیرد. اسماء وقتی وارد شد که رسول خدا در میان جمع اصحاب بود، گفت: «پدر و مادرم قربانت. من نماینده زنانم به سوی تو. (۳) ما زنان می گوئیم خداوند عزوجل تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی. ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آوردیم ما زنان در خانه های خویش نشسته حاجت شما مردان را بر می آوریم شما را در رحم خویش می پروانیم اما از آن ۱- وسائل ج ۱، ص ۱۵۶. ۲- صحیح مسلم ج ۳، ص ۴۷ و صحیح بخاری ج ۲، ص ۹۴ و سنن ابوداود ج ۲، ص ۱۸۰. ۳- انا و اخذه النساء الیک. طرف می بینیم وظایف مقدس و کارهای بزرگ و ارجمند و پراجر و باارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم. مردانند که توفیق جمعه و جماعت دارند و عیادت بیماران می روند در تشییع جنازه شرکت می کنند حج مکرر انجام می دهند و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند. در صورتی که وقتی یک مرد به حج یا جهاد می رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می کنیم برای جامه های شما نخریسی می کنیم فرزندان شما را تربیت می کنیم. چگونه است که ما در زحمتهای شریک شما مردان هستیم اما در وظایف بزرگ و مقدس و کارهای پراجر و پاداش شرکت نداریم و از همه آنها محرومیم؟ رسول اکرم نگاهی به اصحاب کرد و فرمود: «آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی در امور دین شنیده اید؟» یکی از اصحاب گفت: «خیال نمی کنم این سخن از خود این زن باشد». «رسول خدا به جواب این مرد اعتنا نکرد. رو کرد به اسماء و فرمود: «ای زن! آنچه می گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده اند نیز حالی کن. پنداشتی که هر که مرد شد به واسطه این کارها که بر شمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می یابد و زنان محرومند؟ خیر چنین نیست. زن اگر خوب خانه داری و شوهرداری کند نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود اجر و پاداش و فضیلت و توفیقی معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.» اسماء زنی با ایمان بود و تقاضای او و زنان

همفکرش از عمق ایمانشان بر می خاست نه از شهوت برانگیخته شده که غالباً امروز می بینیم. او و همفکرانش نگران این بودند مبدا و وظایفی که به عهده آنان واگذار شده قدر و قیمتی نداشته باشد و همه وظایف مقدس و قدر و قیمت دار به مردان اختصاص یافته باشد. او و همفکرانش تقاضای مساوات زنان و مردان را داشتند اما در چه؟ در ربودن گوی فضیلت و انجام وظیفه مقدس چیزی که در مخیله آنان هم خطور نمی کرد این بود که شهوات فردی را نام «حقوق» نهند و جنجال راه بیندازند. لهذا وقتی که آن جواب را شنید چهره اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی همفکرانش برگشت. (۱) دو مسأله دیگر: دو مسأله دیگر در باب معاشرت زن و مرد باقی است که بد نیست آنها را نیز بررسی کنیم. یکی مسأله شنیدن صدای زن است و دیگری مسأله دست دادن با اوست. در مسأله اول ظاهراً مسلم است که شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریه در کار نباشد جایز است. مرحوم آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (۲) می فرماید: شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریه نباشد جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورتی نیست ترک آن بهتر است. و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد به طوری که تحریک آمیز باشد. چنانچه خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر اکرم می فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد. ۱- اسد الغابه ج ۵، ص ۳۹۸ - ۳۹۹. این داستان در کتب حدیث و تفسیر نیز نقل شده است. ۲- عروه الوثقی، باب نکاح، فصل اول، مسأله ۳۹. مسأله جواز استماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره قطعی بین مسلمین و ضروری بودن و مخصوصاً سیره قطعی تاریخی رسول خدا و ائمه اطهار است. علاوه بر این مفهوم آیه مذکور این است که حرف زدن که در آن کرشمه و ناز به کار نرود جایز است؛ یعنی خود این آیه دلیل بر جواز همسخن شدن زن و مرد اجنبی است. تنها شهید اول است که در لمعه می فرماید «و یحرم سماع صوت الاجنبیه» و بعضی از فقهای معاصر احتمال داده اند که خطایی از نساخ رخ داده است و مثلاً «لا یحرُم» را «یحرُم» نوشته اند. در مورد مسأله دوم شکی نیست که حتی در صورتی که تلذذ و ریه هم نباشد دست دادن زن و مرد اجنبی جایز نیست مگر اینکه جامه ای حائل باشد مانند دستکش. در این مسأله هم در روایات و هم در فتاوی فقها اتفاق کلمه می باشد. در بعضی از روایات علاوه بر اینکه قید شده که مصافحه بدون حائل نباشد اضافه شده که باید دست را فشار ندهند. مرحوم سید در عروه الوثقی بعد از مسأله پیش می فرماید: دست دادن با زن بیگانه جایز نیست ولی اگر جامه حائل باشد مانعی ندارد. بدیهی است که جایز بودن دست دادن با زن بیگانه در صورت حائل بودن جامه یا دستکش، مشروط به این است که تلذذ و ریه ای در کار نباشد، اما اگر تلذذ و ریه در کار باشد همان طور که بعضی از فقهای دیگر در حاشیه ی عروه یادآوری کرده اند قطعاً حرام است.

متانت و عفت بیان

از شگفتیهای قرآن - که یکی از نشانه های اعجاز آن محسوب می شود - این است که هیچ گونه تعبیر زننده و رکیک و ناموزون و مبتذل و دور از عفت بیان در آن وجود ندارد و ابداً متناسب طرز تعبیرات یک فرد عادی درس نخوانده و پرورش یافته در محیط جاهل و نادانی نیست. با اینکه سخنان هر کس متناسب و همرنگ افکار و محیط او است، در میان تمام سرگذشت هایی که قرآن نقل کرده، یک داستان واقعی عشقی، وجود دارد و آن داستان یوسف و همسر عزیز مصر است. داستانی که از عشق سوزان و آتشین یک زن زیبای هوس آلود، با جوانی ماهر و پاکدل سخن می گوید. ولی قرآن در ترسیم صحنه های حساس این داستان به طرز شگفت انگیزی «دقت در بیان» را با «متانت و عفت» به هم آمیخته و بدون اینکه از ذکر وقایع چشم پوشت و اظهار عجز و ناتوانی کند، تمام اصول اخلاقی و عفت را نیز به کار بسته است. در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (ع) در عبارت بسیار فشرده و کوتاهی بیان شده است؛ آنجا که مأمون خلیفه عباسی از امام (ع) می پرسید: «آیا شما نمی گوید پیامبران معصومند؟» فرمود: «آری». گفت: «پس این آیه قرآن "و لقد همت به وهم بها لولا- ان رءا برهان ربه" تفسیرش چه می باشد؟» حضرت امام رضا (ع)

فرمودند: «همسر عزیز تصمیم به کامجویی از یوسف گرفت و یوسف نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید، همچون همسر عزیز مصر تصمیم می گرفت ولی او معصوم بود و معصوم هرگز قصد گناه نمی کند و به سراغ گناه هم نمی رود.» (۱) مأمون از این پاسخ لذت برد و گفت: «آفرین بر تو ای ابوالحسن.» و در حدیثی آمده است: «لا شفیع للمراه انجح عند ربها من رضا زوجها و لما ماتت فاطمه قام علیها امیرالمومنین و قال اللهم انی راض عن ابنه نیک اللهم انها قد اوحشت فانبها.» «برای زن نزد پروردگارش شفیعی کارسازتر از خشنودی شوهرش نیست وقتی فاطمه در گذشت امیرمؤمنان علی (ع) بالای سر آن بزرگوار برخاست و گفت بار خدایا من از دختر پیامبر تو راضی هستم خدایا او اکنون تنهاست پس تو همدم او باش.» ده دستور قرآن به زنان مومن: ۱- شما زنان معمولی نیستید. (عزت نفس) ۲- تقوا پیشه کنید. (مهار نفس) ۳- به گونه ای سخن نگویند که بیمار دلان به شما طمع کنند. (کرامت نفس) ۴- سخن شایسته بگویید. (کمال در گفتار) ۵- زیاد در بین مردم ظاهر نشوید. (جلال اجتماعی) ۶- نماز را به پا دارید. (جمال الهی) ۷- زکات را ادا کنید. (انقطاع دل از مال دنیا) ۸- خدا و رسولش را اطاعت کنید. (مطیع امر خدا و رسول (ص)) ۹- به آیات الهی برای عمل کردن گوش فرا دهید. استماع آیات الله ۱۰- دانش و حکمت فرا گیرید. طب العلم

صفات زنان نادان در عصر پیغمبر اسلام (ص)

۱- حجاب درستی نداشتند. ۲- دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند، به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن بند و گوشواره هایشان نمایان بود. ۳- کفشهای پاشنه بلند صدادار به پا می کردند. ۴- خلخالهای پایشان را ظاهر می کردند. ۵- خنده های بسیار بلند شهوت انگیز از خانه هایشان به گوش می رسید. ۶- بر سر معابر با بدترین وضع گرد هم می نشستند. ۷- با شکستن تخمه اوقات خود را به بطالت می گذراندند.

مردان و زنان شهر نور

۱- مردان و زنان مسلمان ۲- مردان و زنان باایمان ۳- مردان و زنان مطیع خدا ۴- مردان و زنان صابر ۵- مردان و زنان راستگو ۶- مردان و زنان با خشوع ۷- مردان و زنان انفاق گر ۸- مردان و زنان روزه دار ۹- مردان و زنان ذاکر ۱۰- مردان و زنان مطیع اهل بیت (علیهم السلام) ۱۱- مردان و زنان پاکدامن ۱۲- زنان با عفت

سفارش خداوند به زنان

آیه قرآن می فرماید: «ای رسول! زنان مؤمنه را بگو تا چشمها را از نگاه ناروا و فروج و اندامشان را از کار زشت محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنکه قهراً ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت جمال خود را آشکار نسازند، جز برای شوهران خود و یا زنان خودی (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خود و اتباع (و خانواده ای که رغبت به زنان ندارد) (زن و مرد طفلی که هنوز بر عورات و محارم زنان آگاه نیستند و در غیر این اشخاص مذکور اجتناب و احتراز کنند.) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و توبه کنید به سوی خدا همه، تا اهل ایمان باشید که رستگار شوید.» (۱) و در آیه ای دیگر خداوند می فرماید: «ای پیغمبر گرامی به زنان خود بگو که؛ اگر شما زندگانی و زینت و زیور دنیا را طالبید بیایید تا من مهر شما را پرداخته و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم و اگر طالب اطاعت از خدا و رسول او و مشتاق دار آخرت هستید، خدا به نیکوکاران از شما زنان، در قیامت اجر بزرگ عطا خواهد کرد. ای زنان پیغمبر (ص) از شما هر کس که به کار ناروایی دانسته اقدام کرد، او را دو برابر دیگر زنان عذاب کنند و این بر خدا سهل و آسان است و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول او شود و نیکوکار گردد، پاداش او را دو بار عطا کنیم و برای روزی بسیار نیکو (در بهشت ابد) مهیا

سازیم. ای زنان پیغمبر(ص) شما مانند یکی دیگر از زنان نیستند، اگر خدا ترس و پرهیزگار باشید زنهار نازل و نرم با مردان سخن نگویید، مبادا آنکه دلش بیمار ۱- نور، ۳۱. (هوس و هوی) است به طمع افتد، بلکه متین و درست سخن بگویید و در خانه هایتان بنشینید و آرام بگیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین، آرایش و خودآرایی نکنید و نماز به پا دارید و زکات مال را به فقیران بدهید و از امر خدا و رسول(ص) اطاعت کنید. خدا چنین می خواهد که هر آلایشی را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیبی پاک و منزّه گرداند. (۱) و در آیه ای دیگر خداوند می فرماید: ای پیامبر اسلام به زنان و دختران خود و زنان و دختران مؤمنان بگو که خویشان را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان و آزاردهندگان آزار و اذیت نکشند و بر آنان بسیار بهتر است و خداوند متعال در حق خلق آمرزنده و مهربان است. (۲) حدیثی از نبی مکرم اسلام(ص): حضرت می فرماید: «هر زنی سخن ناروایی از شوهر بشنود و تحمل و صبر نماید خداوند برای تحمل هر کلمه ای ۱- احزاب، ۲۸ تا ۳۵. ۲- همان، ۵۹. پاداش و اجر روزه دار و مجاهد در راه خدا به او عطا می فرماید.» (۱) ۱- برگرفته از ابراهیم قرنی، ص ۱۵۴.

عذاب سخت زنان بی عفت

امام علی(ع) فرمود: «همراه حضرت زهرا(ع) به حضور پیامبر(ص) رفتیم، دیدیم گریه شدید می کند. عرض کردم پدر و مادرم به فدایت چرا گریه می کنی؟» فرمود: «ای علی! در شب معراج زنانی را در عذابهای گوناگون دیدم از این رو گریه می کنم. از جمله فرمود: ۱- زنی را دیدم که به مویش آویزان است و مغز سرش از شدت گرما می جوشد. ۲- زنی را دیدم که با دو پایش آویزان شده است. ۳- زنی را دیدم که با قیچی گوشت بدن خود تکه تکه می کرد. ۴- زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد. ۵- زنی را دیدم که صورت و بدنش می سوخت و او روده های خود را می خورد.» حضرت زهرا(س) عرض کرد: «ای حبیب و نور چشمم به من بگو عمل آن زنان در دنیا چه بود که اینگونه مجازات می شدند؟» حضرت فرمود: ۱- زنی که به مویش آویزان شده بود و مغز سرش از شدت گرما می جوشید به خاطر آن بود که در دنیا موی سرش را از نامحرم نمی پوشید. ۲- زنی که به دو پایش آویزان شده بود به خاطر آن بود که در دنیا بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می رفت. ۳- زنی که با قیچی گوشت بدنش را می برید به خاطر آن بود که او در دنیا خودفروشی می کرد و خود را برای کامجویی عیاشان در معرض تماشای آنها می گذاشت. ۴- زنی که گوشت بدنش را می خورد به خاطر آن بود که در دنیا اندام خود را برای نامحرم آرایش می کرد. ۵- زنی که صورت و بدنش می سوخت و او روده های خود را می خورد به خاطر آن بود که بین زن و مرد نامحرم رابطه نامشروع برقرار می نمود و در این جهت دلالتی می کرد. در پایان فرمود: «ویل لامراه اغضبت زوجها و طوبی لامراه رضی عنها زوجها.» وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او خشنود باشد.» (۱) خداوند متعال سه زن را از عذاب قبر ایمن می دارد و با حضرت فاطمه زهرا(س) محشور می فرماید: ۱- زنی که هنگام تنگدستی شوهر صبر کند و از او جدا نشود و با مشکلات سازگار باشد. ۲- زنی که با بداخلاقی شوهر بسازد و از او تقاضای طلاق نکند. ۳- زنی که مهرش را به شوهر بی بضاعتش ببخشد. آیه ای از قرآن مجید می فرماید: «الخیثات للخیثین و الخیثون للخیثات و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات اولئک مبرون یقولون لهم مغفره و رزق کریم» زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی هستند که به همین وصفند و در مقابل هم مردان زشت کار و ناپاک نیز شایسته زنانی هستند که به همین وصفند و زنان پاکیزه و نیکوکار لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه و نیکو اخلاق لایق زنانی همین گونه اند و این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان ۱- بحار، جلد ۱۰۳، ص ۲۴۶ و ۲۴۵. گویند منزهند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکو است. این آیه در حقیقت تعقیب و تأکید بر آیات افک و آیات قبل از آن است و بیان یک سنت طبیعی در جهان آفرینش می باشد که تشریع نیز با آن هماهنگ است. و در بیان روشن تر می فرماید: «زنان ناپاک از آن

مردان ناپاکند همان گونه که مردان ناپاک به زنان ناپاک تعلق دارند و در نقطه مقابل نیز زنان پاک به مردان پاک تعلق دارند و مردان پاک از آن زنان پاکند.» و در پایان آیه به گروه اخیر، یعنی مردان و زنان پاکدامن اشاره کرده و می گوید: «آنها از نسبت های نادرستی که به آنان داده می شود مبرا هستند و به همین دلیل آموزش و مغفرت الهی و همچنین روزی پر ارزش برای آنها است.» (۱) و در آیه ای از قرآن مجید است که می فرماید: «و اذا انعمنا علی الانسان اعرض و نا بجانبه و اذا سسه الشکران یوسا» در این آیه به یکی از ریشه دارترین بیماریهای اخلاقی «انسانهای تربیت نیافته» اشاره کرده و می فرماید: «و هنگامی ۱- نور، ۲۶. که به این انسان نعمت می بخشیم غرور و استکبار به او دست می دهد، به پروردگار خود پشت می کند و با حالت تکبر دور می شود، اما هنگامی که نعمت را از او سلب کنیم و حتی مختصر ناراحتی به او برسد، یأس و ناامیدی سر تا پای او را فرا می گیرد. (۱) ۱- اسراء، ۸۳.

درباره عفت و حجاب

حضرت علی(ع) فرمودند: «روزی محضر پیامبر اکرم(ص) بودم، آن حضرت پرسیدند؛ چه چیزی برای زنان بهتر از همه چیز است؟ هیچ یک از اصحاب نتوانست جواب مورد نظر پیامبر(ص) را بگوید، پس از پایان مجلس نزد فاطمه زهرا(س) آمدم و جریان سؤال نبی مکرم اسلام(ص) پدر بزرگوارشان را نقل کردم. حضرت فاطمه زهرا(س) گفت: «بهترین چیز برای زنان آن است که نه مرد نامحرمی آنها را ببیند و نه آنها مرد نامحرمی را ببینند» من نزد پیامبر بازگشتم و پاسخ را گفتم حضرت فرمودند: «این جواب از کیست؟» گفتم: «از دخترتان فاطمه است.» پیامبر(ص) تعجب کردند و گفتند: «فاطمه پاره تن من است.» (۱) زن در آن است و جای آن در صندوق است. زن باید در حجاب و چادر حفظ شود و این احترام و تکریم او است نه محدودیت او. امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل فرمودند: اگر زنی بخواهد با وضع نامناسب در عروسی، فواتح بازار، گردشگاه ها و حتی حمام های عمومی برود و شوهرش جلوگیری نکند و یا از شوهرش بخواهد لباس های نامناسب و نازک برای او تهیه کند و شوهرش چنان نماید، خداوند او را با صورت به جهنم می افکند. (۲) حضرت علی(ع) می فرمایند: زن باید بخیل باشد، چه در خرج کردن پول شوهر و چه نسبت به عفت خود. (۳) زن باید از نشان دادن بدن خود به غیر شوهرش بخل بورزد. حضرت امام جعفر صادق(ع) می فرمایند: «اگر زن عفت داشته باشد به دنیا می ارزد و گرنه به خاک هم نمی ارزد. (۴) و در این رابطه تفاوتی بین مردهای غریبه با نامحرم های فامیل، مثل برادر شوهر و یا شوهر خواهر وجود ندارد و زن باید عفت خود را کاملاً حفظ کند تا موجودی ارزشمند در نزد خداوند و مردم به حساب آید. ۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۴۳. ۲- المحججه البیضاء، جلد ۳، ص ۱۰۱. ۳- نهج البلاغه. ۴- اقتباس از خانواده در اسلام.

عفت یا بهترین وسیله بزرگی و شخصیت

عفت و شجاعت مخصوص شخص حکیم است. (۱) شخص عقیف و شجاع را مردم دوست می دارند. یکی از وسایل محبوبیت عفت و دیگری شجاعت است. عفت به معنای نگاه داشتن است. شخص عقیف آن کسی است که خود را از شهوات نفسانی حفظ می کند و این عمل در اثر ایمان کامل انجام می گردد و آنچه ممکن است در این بحث کوتاه بحث شود، عفت از سؤال در امور مالی است. قرآن کتاب آسمانی مسلمین، مردم مستمند و فقیری که از روی عفت سؤال را ترک کرده و به گرسنگی صبر می کنند مدح نموده و آنها را ستوده است. ۱- کتاب ابن مسکویه. «یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف تعرفهم بسیماهم لایستلون الناس الحافا.» فقراء مسلمان آن چنان عقیف هستند که مردم بی اطلاع گمان می کنند آنان ثروتمندند، ولی از سیما و چهره آنان به خوبی معلوم می شود که در آنان فقر اثر گذاشته اینان به مردم اظهار نیاز و احتیاج نمی کنند و از روی سماجت چیز نمی خواهند. (۱) دوستان

شاید برای شما زیاد اتفاق افتاده باشد که اگر فقیر و مستمندان از روی عفت به شما توجهی نکنند، شما بیشتر به او علاقه خواهید داشت و کمک زیادتری به او خواهید کرد، اگر این علاقه را خوب بشکافید می بینید که فقط و فقط برای عفت او است با آنکه بی اعتنایی او باید شما را ناراحت کرده باشد، ولی عفت نفس او به قدری محبوبیت ایجاد می کند که این ناراحتی به حساب نمی آید. افراد عقیف اگر چه ممکن است دست تنگ و بی چیز باشند، ولی همیشه به این وسیله در بین مردن به بزرگی و شخصیت زندگی کرده و استغناء ذاتی دارند. ۱- بقره، ۲۷۲. نبی مکرم اسلام (ص) می فرمایند: «خیر الغنی غنی النفس» بهترین بی نیازها استغناء نفس است. اگر عزت و شخصیت و بزرگی را طالبید و اگر می خواهید محبوب همه کس باشید، عفت نفس داشته باشید و به آنچه در دست مردم است طمع نداشته باشید. قال ابو عبدالله (ع): «ایاک و السفله فانما شیعه علی (ع) من عف بطنه و فرجه و اشد جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت اولئک فاولئک شیعه جعفر» فرمود: بر حذر باش از این مردم پست جز این نیست که شیعه علی (ع) کسی است که عقیف باشد بطن و فرج او و شدید باشد جهاد او و عمل کند برای آفرید گارش و امید ثواب او را داشته باشد و خوف و عقاب او را داشته باشد وقتی این جماعت را دیدی آن ها شیعه جعفر بن محمد هستند. (۱) ۱- چهل حدیث، ص ۵۶۹.

بی غیرتی و بی حمیتی

و آن کوتاهی و اهمال کردن است در محافظت آنچه نگاهبانی آن لازم است از دین و عرض و اولاد و اموال. و این مرض از مهلکات عظیمه و صفات خبیثه است. حضرت محمد (ص) فرمودند: «دل مرد بی غیرت سرنگون است.» و فرمودند؛ که اگر مردی در اهل خانه خود امری ببیند که منافی عفت باشد و به غیرت نیاید، خدا مرغی را می فرستد که آن را «قدر» گویند و چهل روز بر در خانه او می نشیند و فریاد می کند که خدا غیور است و هر صاحب غیرت را دوست دارد و اگر آن مرد به غیرت آمد و آنچه منافی غیرت است از خود دور کرد فبها والا پرواز می کند و بر سر او می نشیند و فریاد می کند و پره های خود را بر چشمهای او می زند و می پرد و بعد از آن روح ایمان از آن مرد مفارقت می کند و ملائکه او را دیوث می نامند. حضرت امیرمومنان علی (ع) وقتی که در عراق بودند فرمودند: «ای اهل عراق، شنیده ام که زنان شما در راه ها با مردان مدافعه می کنند، یعنی شانه به شانه یکدیگر می زنند که راه بدهند آیا حیا نمی کنید.» و باز فرمودند: «چرا حیا نمی کنید و به غیرت نمی آید که زنان شما به بازارها می روند و با کفار شانه به هم می زنند که راه بیابند؟ و ضد این صفت غیرت و حمیت است و آن نتیجه شجاعت و قوت نفس است و از شرایف ملکات و فضایل صفات است و کسی که از این صفت خالی است از زمره مردان خارج و نام مردی بر او نالایق است. و از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت است که می فرماید: «خداوند تبارک و تعالی غیور است و صفت غیرت را دوست می دارد و از غیرت اوست که همه اعمال ناشایست ظاهریه و باطنیه را حرام کرده است.» دانستن که حمیت و غیرت آن است که آدمی نگاهبانی کند دین خود و عرض خود و اولاد و اموال خود را و از و برای محافظت و نگاهبانی هر یک طریقه ای است که صاحب غیرت و حمیت از آن تجاوز نمی کند. اما غیرت و حمیت در دین آن است که؛ سعی کند در رد بدعت کسی که در دین بدعت نهد و اهانت کسی که در دین اهانت رساند و دفع ادعای باطن کنندگان دین و رد شبهه منکرین و کشتن کسانی که از دین برگردند یا اینکه ضروری دین را انکار نمایند و در ترویج احکام دین جدّ و جهد لازمه را به عمل آورد و در نشر مسائل حرام و حلال نهایت مبالغه را بکند و در امر به معروف و نهی از منکر مسامحه نکند. و با کسانی که مجاهر به معصیتند بی ضرورت مدهانه و دوستی نکنند و با ضرورت هم در دل برایشان غضبناک باشد و اما غیرت در عرض و حرم آن است به فساد منجر می شود نکند. پس زنان خود را از دیدن مردان نامحرم محافظت کند و ایشان را از رفتن به کوچه و بازار منع نماید. حضرت رسول اکرم (ص) به حضرت فاطمه (سلام الله علیها) فرمودند: «از برای زنان چه چیزی بهتر است؟ عرض کرد: اینکه هیچ مردی را نبیند و هیچ مردی هم او را

نبیند. پس فاطمه را به سینه خود چسبانید و اصحاب پیغمبر (ص) سوراخ های دیوار خانه خود را مسدود ساخته بودند که زنانشان مردان را نبینند. روزی حضرت پیغمبر (ص) فرمودند: «هر که اطاعت زن خود کند خدای متعال او را سرنگون به جهنم اندازد، عرض کردند؛ در چه چیز اطاعت کند؟ فرمودند: «در اینکه از شوهر خود خواهش کند که به حمام ها و عروسی ها و عید گاه ها و عزازها برود و جامه های نازک بپوشد و شوهر راضی شود و به او اجازه دهد.» و آنچه شنیده ای که در عهد پیغمبر (ص) زنان به مساجد حاضر می شوند و حضرت آنها را اذن می دادند مخصوص زنان آن عصر بود که آن حضرت علم به احوال ایشان داشت و می دانست که فسادى بر آن مترتب نمی گردد، ولی در این زمان منع زنان از حضور در مساجد و رفتن به مساجد لازم و واجب است، چه جای کوچه و بازار و حمام ها و مجامع لهو و لعب! مگر زنان عجوزه که از حد فساد گذشته اند و از این جهت بعد از حضرت پیغمبر (ص) صحابه آن سرور چنین رفتار نمودند و گفتند: هرگاه پیغمبر (ص) بر حال زنان این زمان مطلع بود منع می فرمود که زنان از خانه بیرون روند. و از حضرت امام صادق (ع) پرسیدند: «جایز است که زنان از برای نماز عید و نماز جمعه بیرون روند؟» فرمودند: «خیر، مگر زنی پیر بوده باشد و بالجمله هر که اندک اطلاعی از احوال زنان این عصر و امثال آن داشته باشد و فی الجمله رگ مردی و صفت و غیرت و حمیت در او باشد زنان را منع می کند.» از آن چه احتمال فساد و ناخوشی داشته باشد از نظر کردن به مردان نامحرم و صدایشان را شنیدن تا ضرورت شرعیه نباشد و استماع ساز و نوا و شنیدن و خوانندگی و غنا بلکه از بیرون رفتن از خانه و آمد و شد با بیگانه و تردد به حمام ها و مساجد و حضور در محافل و مجامع اگر چه مجمع تعزیه حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بوده باشد و سفر کردن به زیارت مستحبه و امثال اینها، زیرا که غالب آن است که ارتکاب این امور از فساد خالی نباشد و اگر هیچ نباشد نظر به مردان نامحرم می افتد و صدایشان را می شنوند و این منافی طریقه عفت و خارج از شیوه غیرت است. چو زن راه بازار گیرد بزنگونه تو در خانه بنشین چو زن ز بیگانگان چشم زن دور باد چو بیرون شد از خانه در گور باد پوشانش از چشم بیگانه رویو گر نشنود چه زن آنکه چه شوی چو در روی بیگانه خندید زندگر مرد گو لاف مردی مزین پس در این عصر و زمان بر مردان صاحب غیرت لازم است که نهایت سعی را در محافظت اهل و حرم خود نمایند و ایشان را از بیرون رفتن از خانه ممانعت نمایند، مگر شرعاً واجب شده باشد، مانند سفر حج واجب یا رفتن به خانه عالم خدا ترس به جهت اخذ مسائل واجبه، هر گاه مردان خود متمکن از اخذ مسائل رساندن به آنها نباشند و قبول نکنند که مردان خود بروند و بپرسند. بلکه اگر فرض شود که یقین حاصل شود به اینکه رفتنشان به یکی از مواضعی که شرعاً راجح است چون زیارت ائمه (علیهم السلام) یا مجمع تعزیه زنان یا امثال اینها که از مفاسد خالی است، ظاهر آن است که اذن دادنشان جایز باشد، همچنان که رفتن زنان عجوزه به امثال این مواضع ضرری ندارد همچنین مقتضای صفت و غیرت آن است که زنان را منع کنند از شنیدن حکایت شهوت انگیز و سخنان عشرت آمیز و مصاحبت پیرزنانی که با مردم آمد و شد دارند. بر پنبه آتش نباید فروخته که تا چشم بر هم زنی خانه سوخت و از این جهت در احادیث زنان عرب را منع کرده اند از یاد گرفتن سوره یوسف (ع) و شنیدن آن حضرت امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: سوره یوسف (ع) را به زنان خود تعلیم مدهید و برایشان بخوانید که به فتنه افتند و سوره نور را به آنها یاد دهید که مشتمل است بر مواعظ و نصایح. و فرمودند: «زنان را بر زین سوار نکنید.» حضرت محمد (ص) فرمودند: و بدان که مرد صاحب غیرت را سزاوار آن است که خود را در نظر زن با صلابت و مهابت بدارد تا همیشه از او خائف باشد و پیروی هوا و هوس خود را نکند و هیچ وقت زن را بیکار نگذارد، بلکه پیوسته او را مشغول امری سازد از امور خانه یا او را به کسبی بدارد، زیرا که اگر بیکار باشد شیطان او را به فکرهای باطل و بیهوده می اندازد و میل بیرون رفتن و تفرج و خودآرایی و خودنمایی می کند و به لهو و لعب و خنده و بازی رغبت می نماید و کار او به فساد می انجامد و باید مرد صاحب غیرت، جمیع ضروریات زن را از خوراک و پوشاک و سایر آنچه را که به آن احتیاج دارد، مهیا سازد تا مضطر به بعضی اعمال و افعال ناشایست نگردد. و مخفی نماند که صفت غیرت اگر چه خوب و در نظر شرع و عقل مستحسن و مرغوب است، اما باید که به حد افراط نرسد و آدمی به نحوی نشود که بی سبب به اهل خود

بدگمان و برایشان تنگ بگیرد و درصدد تجسس باطن ایشان برآید زیرا همچنان که در حدیث وارد شده است: «زن مانند استخوان کجی است که اگر بخواهی او را راست کنی می شکند.» و از حضرت نبی اکرم اسلام (ص) روایت است: «بعضی از انواع غیرت را خدا و رسول آن را دشمن دارند و آن این است که مرد بی جهت بر اهل خود غیرت نماید.» و بالجمله مبالغه در تفحص و تفتیش از احوال اهل و حرم خود نمودن نالایق و با طریقه شریعت موافق نیست، زیرا که در این وقت مرد از ظنّ بد خالی نخواهد بود و آن شرعاً مذموم است، چنانکه مذکور خواهد شد و اما مقتضای غیرت بر اولاد آن است که در ابتدای امر مراقب احوال او باشی و از برای پرستاری و شیر دادن او زنی صاحب عفت و صلح معین نمایی و غذای او را از حلال مهیا سازی، زیرا طفلی که گوشت او از شیری که از غذای حرم به هم رسیده و متکون شود طبع او خبیث می شود و طینت او از خبثات سرشته می گردد و چون به سر حدّ تمیز رسد، باید او را از آداب نیکان بیاموزی و آداب خوردن و گفتن و نشستن و برخاستن غیر اینها به او یاد دهی. پس او را بیاموزی که نخورد مگر با دست راست و در وقت شروع به چیز خوردن بسم الله بگوید و از نزد خود لقمه برگیرد و به هر طرف دراز نشود و پیش از دیگران دست به طعام نبرد و نیز به طعام و کسانى که طعام می خورند نگاه نکند و به شتاب غذا نخورد و لقمه را نیک بجود و دست و جامه را به آنچه می خورد آلوده نسازد و به پرخوری و شکم پرستی عادت نکند و باید در نزد طفل مذمت پرخوری را نمود و مدح قناعت و کم خوری را و او را چنان پرورید که در بند غذا نباشد و به هرچه رسد قانع باشد. و او را از خودآرایی و زینت کردن و در بند لباس بودن منع نمایی و این را در نظر او قبیح سازی و به او وانمایی که زینت و خودآرایی طریقه زنان است و مردان از آن عار دارند و از همنشینی طفلانی که بر ناز و نعمت و لباس و زینت پرورش یافته اند او را محافظت کنی و او را به لباس درشت معتاد سازی. و طریقه نشستن و برخاستن و راه رفتن و خوابیدن را به او تعلیم کنی و یاد دهی او را که در نشستن و برخاستن و ایستادن پشت به دیگری نکند و آب بینی نیفکند و اگر ضروری شود، پنهان بینی را پاک کند و در برابر مردم خمیازه نکشد و پا بر روی پا نیفکند و دست بر زیر زنخدان نهد و به هر طرف ننگرد و سر برهنه نباشد و با همنشینان تواضع و فروتنی کند و گشاده رویی و خوش کلامی را شعار خود سازد و اطاعت بزرگتر را کند و تعظیمشان را به جای آورد و در حضورشان بازی نکند و او را منع کنی از پرگویی و دروغ و قسم خوردن، اگر چه راست باشد و فحش و دشنام و لغو و غیبت و بسیار خندیدن و استهزاء کردن و زیاد مزاح کردن و تیره به مردم نگریستن و ابتدا به سخن کردن. و عادت بده او را به درستگویی و با فکر سخن گفتن و گوش دادن به کسی که با او تکلم می کند و برخاستن در پیش پای بزرگتر از خود و به دو زانو نشستن و جای دادن دیگران و وقار و سکینه و خودداری در جمیع حرکات را به او بیاموز. و باید او را از همنشین بد نهایت محافظت را کنی که اصل ادب همین است و بترسانی او را از اینکه از اطفال یا مردان چیزی بگیرد و به او بفهمانی که بزرگی در عطا و بخشش است و در گرفتن خواری و ذلت است و ادب سگان است که در انتظار لقمه ای دم خود را می جنبانند و تملّق و چاپلوسی می کنند. و باید او را به معلّمی متدین و دانا داد که او را قرآن بیاموزد و حکایت نیکان را به او به او بخواند و از سخنان لغو و بیهوده او را منع کند و باید به او تعلیم کنی که چون معلّم او را بزند صبر و تحمل کند و متوسل به این و آن نشود و به او بگویی که این طریقه شجاعان و مردان است و در آن وقت چون زنان و بندگان فریاد و فغان نکنند و سزاوار آن است که چون از مکتب فارغ شود او را اذن دهی که مشغول بازی و تفرّج شود تا دل او نمیرد و پژمرده نگردد. و چون اندکی تمیز او بیشتر شود، باید اخلاق نیک به او بیاموزی و او را از رذائل صفات باز داری و در نظر او صفات حسنه را جلوه دهی، چون صبر شکر توکل رضا، شجاعت سخاوت، صدق، صفا و غیر اینها و صاحبان این صفات را در نزد او ستایش کنی و اخلاق رذیله از حسد عداوت بخل، کبر، دزدی، خیانت و امثال اینها را مذمت کنی و ارباب این اخلاق را نکوهش نمایی و او را به طهارت و نماز بداری. و در بعضی از روزهای ماه رمضان او را به روزه داشتن امر کنی و اصول و عقاید را به او تلقین نمایی و آداب شریعت را به او یادهی و چون فعل نیکی از او سرزند یا صفت خوبی از او ظاهر شود او را آفرین گویی و در برابر مردم تحسین کنی و به او امر احسان نمایی. نو آموز را ذکر و تحسین و زهزتوبیخ و

تهدید استاد به و اگر فعل قبیحی از او سر زد دفعه اول ندیده بگیری و به روی او نیاوری و چنان وانمود کنی که کسی جرأت نمی کند که چنین کاری بکند، خصوصاً اگر خود طفل بخواهد آن را پنهان کند تا جری نشود. پس اگر دوباره آن کار را از او سر زد، در خفیه او را عتاب و خطاب کنی و چنان نمایی که اگر این از او ظاهر شود در نزد مردم رسوا می گردد و بسیار در مقام عتاب بر نیایی و باید پدر، هیبت خود را نگاه دارد و خود را در نظر فرزند بی وقع نسازد و مادر باید او را از پدر بترساند و او را از اعمال ناشایست منع کند و چون تمیز او بیشتر شد او را به عبادت بداری و دنیا را در نظر او خوار سازی و او را به پروردگار امیدوار نمایی و آخرت را در نظر او جلوه دهی و عظمت خدا را به او ذکر کنی و چون چنین نمایی، این اخلاق در دل طفل راسخ می شود و بعد از بلوغ زمزمه اختیار و از برای پدر و مادر از باقیات صالحات خواهد بود. و اگر برخلاف این باشد و در تأدیب او مسامحه کند تا طفل به هرزگی پرورش یابد و بی شرمی و فحش و شکم پرستی و امثال آن را معتاد نشود، خبیث النفس می گردد و وبال پدر و مادر بلکه باعث رسوایی و عاریشان می شود و خود در دنیا به سختی و نکبت و زحمت و در عقبی به عذاب مبتلا می شود. بسا روزگارا که سختی برد پسر چون پدر نازکش پرورد هر آن طفل چون جور آموزگار نبیند جفا بیند از روزگار پس بر پدر مهربان لازم است که سعی در تأدیب فرزند نماید و بداند که این امانتی است از خدا در نزد او و دل پاک و جوهر او صاف است و قابل هر نیک و بدی هست و به هر چه تعلیم دهد نشو و نما می کند و پدر هم در ثواب و وبال او شریک است پس او را ضایع و مهمل نگذارد و از او غافل نشود. و دختر را نیز باید مانند پسر تربیت داد، مگر در چیزهایی که تفاوت میان پسر و دختر است پس باید او را پرده نشینی و حیا و حجاب و عفت و امثال اینها آموخت و بعد از آنکه این آداب را به فرزند آموخت، ملاحظه کند که قابلیت و استعداد کلام علم و صنعت را دارد پس او را به آموختن آن بدارد و نگذارد که مشغول امری شود که استعداد آن را ندارد تا عمر او ضایع نگردد. و اما غیرت در مال آن است که؛ بدانی هر کس مادامی که در دار دنیاست به مال محتاج و تحصیل آخرت به آن موقوف است، زیرا که معرفت و طاعت به بقاء بدن و حیات منوط و بقاء آنها به عذاب و قوت مربوط است. پس عاقل باید که بعد از آنکه از مداخل حلال تحصیل آن را نمود سعی در محافظت آن کند به این نحو که بی مصرف آن را خرج نکند و به مصرفی که فایده اخروی یا دنیوی ندارد نرساند و به غیر مستحق ندهد و به خودنمایی و خود فروشی خرج نکند و از دزدان و اهل خیانت آن را محافظت کند و تا تواند ظلمه را بر آن مسلط نسازد و تمکین ایشان در بردن مالش ندهد و غیر از اینها از مصارفی که شرعاً رجحانی نداشته باشد و عوض آن از برای آن در دنیا و آخرت نیست، بلکه مقتضای غیرت آن است که تا خود زنده است اموال خود را به مصرفی رساند که فایده اش به خودش عاید شود و از برای وارث نگذارد، مگر آنکه او را فرزند خلفی باشد که از جمله اختیار بوده باشد که وجود او نیز به منزله خود او است و در ثواب او شریک است. و چگونه صاحب غیرت و حمیت خود را راضی می کند که مالی را که روز و شب در تحصیل آن تعب کشیده و در جمع کردن آن عمر خود را تلف کرده و در عرصات محشر از عهده حساب آن باید برآید از برای شوهر زن خود بگذارد تا آن را بخورد و قوت بگیرد و با زن او جماع کند و منتهای طلب آن زن خبیثه این باشد که، از آن مال غذاهای مقوی ترتیب دهد که شوهرش در مجامعت کردن قوی تر گردد و حقیقت آن است که این مخنثی است که قلوبان و دیوت خود را به آن راضی نمی کنند، چه جای صاحب غیرت و حمیت. و همچنین است گذاشتن مالی از برای سایر ورثه که حق آن میت بیچاره را نمی شناسد و از او یاد نمی کنند مانند پسران بدگهر و شوهران دختر و برادران و برادرزادگان و عم و عمه و خال و غیر اینها. و ایشان اگر چه مثل شوهر زن نیستند، اما هرگاه از اهل خیر و صلاح نباشند مال از برایشان گذاشتن به غیر از وزر و وبال و فحش و دشنام دیگری ثمری ندارد، همچنان که در اهل این عصر مشاهده می کنیم. زن واژدها هر دو در خاک به جهان پاک از این هر دو نا پاک به عزیزان را کند کید زنان خوار به کید زن مبدا کس گرفتار کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر شیر آشنایان ره عشق در این بحر عمیق غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده برو اندرونی بدست آر پاک شکم پر نخواهد شد الا ز خاک و از سخنان امیرمومنان علی (ع) است که: «پرهیز از هوای نفس و آرزوی بی حد» ای مردم

ترسناک ترین چیزی که از ابتلای شما بدان می ترسیم دو چیز است: «نخست پیروی از هوای نفس و دوم آرزوی بی حد» اما دنبال هوای نفس رفتن انسان را از راه حق باز می دارد و آرزوی بی حساب آخرت را از یاد می برد آگاه باشید، جهان پشت کرده و به سرعت و شتاب می رود و باقی نمانده است از آن مگر ته مانده ای همچون باقیمانده آب که کسی آن را ریخته باشد. آگاه باشید آخرت رو کرده و می آید و از برای هریک از این دو، فرزندان است پس شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا باشید، چه در روز رستاخیز هر فرزندی به پدرش خواهد پیوست و بدانید امروز روز عمل و کار است و حساب بازخواستی ندارد و فردا روز حساب است و هنگام کار و عمل نیست. سید رضی (رحمه الله علیه) می فرماید: حذاء به معنی سرعت و شتاب است و بعضی حذاء به جیم و ذال نقل می کنند یعنی در دل بستن به دنیا و خیر و سودی نمی باشد. (۱) نظر و نگاه کردن به موی زنان نامحرم حرام است. زیرا این کار باعث هیجان مردان می گردد و هیجان هم انسان را به جانب فساد و آنچه که برای او حلال و نیکو نیست می کشاند و همچنین است آنچه که در بدن زن شباهت به مو دارد. (۲) دین مبین اسلام چشم چرانی را حرام کرده است. چون از قرآن و روایات متعدد حرمت آن ثابت شده است از جمله: قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و قل للمومنات ۱- نهج البلاغه، خطبه ۴۲. ۲-ستارگان درخشان، جلد ۱۰، ص ۲۲۴. یغضضن من ابصارهن» این آیه به مردان و زنان مؤمن، امر می کند که چشمان خود را از نامحرم بپوشند. پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) می فرمایند: «کسی که چشمش را از حرام پر کند خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر می نماید مگر اینکه توبه نماید.» (۱) حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: «ایها الناس انما النظره من الشیطان» «یعنی این است و جز این نیست که نگاه به نامحرم از شیطان است.» (۳) نگاه به نامحرم مقدمه زنا است و روایت گوید هر عضوی زنایی دارد و زنای چشم، چشم چرانی است. امام صادق (ع) می فرمایند: ۱-وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ص ۱۴۲. ۲-بحارالانوار، جلد ۷۱، ص ۳۹۳. ۳-من لا یحضر، جلد ۴، ص ۱۲. «نظر کردن تیری از تیرهای زهر آلود شیطان است و نظر شهوت را در دل می کارد.» (۱) کلیه روانشناسان چشم چرانی را یک نوع بیماری و انحراف قلمداد می کنند و می گویند؛ در هر کسی بوجود آمد و قابل توقف نیست بلکه هر لحظه در حال ترقی و افزونی است، اما اثرات جسمی و روانی چشم چرانی از نظر روانپزشکان عبارتند از: ۱- دشواری در تنفس ۲- درد در اطراف قلب ۳- بالا- رفتن تپش قلب ۴- ضعف و خستگی و کوفتگی عمومی ۵- درد و مالش معده ۶- سر درد ۷- هراس و دلهره از خطرات غیر قابل توصیف ۸- بی قراری و ناآرامی ۹- کم اشتها ۱۰- خستگی فکری و دماغی. (۲) چشم چرانی کلید بسیاری از گناهان است و نگاه انسان را دچار هوسرانی می کند و چه بسا با یک نگاه هوس آلود، قلب تکان می خورد و به دنبال آن حوادثی به وقوع می پیوندند که حاصل آن یک عمر بدبختی و سیه روزی است. ۱-حلیه المتقین، ص ۷۴۷. ۲-چشم چرانی، ص ۱۷۵، ۱۷۷.

زنا بدتر از قتل نفس است

امام رضا (ع) می فرمایند: «زیرا شخص قاتل بیش از یک نفر را نمی کشد و فاسد نمی نماید ولی شخص زناکار یک نسل را تا روز قیامت فاسد کرده و محرّمات خدا را حلال نموده است.» (۱) ۱-همان جلد، ۱۰، ص ۲۰۰.

رفع حجاب و هوای نفس

در ذم اتباع هوی است. خداوند تبارک و تعالی در اتباع نفس و هوای آن می فرماید: «و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله.» (۲) می فرمایند: «پیروی هوای نفس مکن که گمراه کند تو را از راه خدا.» و در آیه دیگر می فرماید: «و من اضل ممن اتباع هواه بغیر هدی من الله.» (۳) ۲-ص، ۲۶. ۳-قصص، ۵۰. «کیست گمراه تر از کسی که پیروی هوای خود کند بی راهنمایی از خدا.» و در کافی سند به حضرت باقر (ع) رساند: پیغمبر اکرم (ص) فرمود (۱) و (۲): «خداوند عزوجل می فرماید: قسم به عزّت و جلال و

عظمت و کبریا و علو و ارتفاع مکانتم که اختیار نکند بنده ای هوای خودش بر هوای من، مگر آنکه به تفرقه اندازم کارش را و در هم نمایم دنیایش را و مشغول فرمایم به دنیا قلبش را و حال آنکه ندهم به او از آن مگر آنچه مقدر فرمودم برای او و به عزت و جلال و عظمت و نور و بزرگی و رفعت مکانتم قسم است که اختیار نکند بنده هوای مرا بر هوای خود، مگر آنکه ملائکه من حفظ کنند او را و متکفل شوند آسمان ها و زمین ها روزی او را و می باشم من از برای او از دنباله تجارت هر تاجر، (یعنی من برای او تجارت می کنم و روزی او رسانم) و بیاید او را دنیا در صورتی که منقاد و ذلیل او است، یعنی با آنکه قلبش از او منصرف است باز به او اقبال کند پس خوار و ذلیل پیش او باشد. ۱- اصول کافی، جلد ۲، ۲- کتاب ایمان و کفر باب اتباع الهوی، حدیث ۲. و این حدیث شریف از محکمات احادیث است که مضمونش شهادت می دهد که از سرچشمه زلال علم خدای تبارک و تعالی است، گو که به حسب سند مرئی به ضعف باشد، ما اکنون در صدد شرح آن نیستیم. و از حضرت مولی الموحدین علی (ع) جز این حدیث که ما به شرح آن پرداختیم منقول است که فرمود: «ان اخوف ما اخاف علیکم اثنتان اتباع الهوی و طول الامل فتزودوا فی الدنيا من الدنيا ما تحرزون به انفسکم غدا». (۱) همانا ترسناک ترین چیزی که بر شما می ترسم دو چیز است: یکی دل هوسباز و دیگری آرزوی دراز، پس حال که در جهانید از جهان بدان قدر که فردا توانید نفوس خود را حفظ کنید توشه بگیرید، بقیه فرموده مطالب حدیث ابن عقیل است و از جناب حضرت صادق (ع) در کافی حدیث شده که فرمود: «احذروا اهوائکم کما تحذرون اعدائکم فلیس شیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السنتهم». (۲) بترسید هواهای خودتان را همان طور که می ترسید از ۱- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۸، ۲- اصول کافی، جلد ۲، باب اتباع الهوی حدیث اول. دشمنان خویش. پس نیست دشمن تر از برای مردم از متابعت هواهای خود و چیده های زبان های آنها، یعنی از آنچه زبان آنها برای آنها تحصیل کند. ای عزیز بدان که، خواهش و تمنا نفس منتهی نشود به جایی و به آخر نرسد اشتباهی آن. اگر انسان یک قدم دنبال آن بردارد مجبور شود پس از آن چند قدم بردارد و اگر با یکی از هواهای آن همراهی کند ناچار شود یا چندین تمنا آن همراهی کند. اگر یک در به روی خواهش نفس باز کنی لابدی که درهای بسیاری به روی آن باز کنی، یک وقت به واسطه یک متابعت نفس به چندین مفسد و از آن به هزاران مهالک مبتلا شوی، تا آنکه خدای نخواستہ در دم آخر جمیع راه حق را بر تو مسند کند. چنانکه خدای تعالی در نص کتاب کریم از آن خبر داده است. (۱) و البته امیرمومنان و ولی امر و مولا. مرشد و متکفل هدایت و راهنمای عائله انسانیت از این خوف دارد و ترسناک ۱- به آیه سوره جاثیه، آیه ۵۰ سوره قصص و آیه ۱۰ سوره روم رجوع کنید. است. بلکه روح مکرم رسول اکرم و ائمه هدی (ص) در اضطراب و وحشت است که مبادا برگهای درخت نبوت و ولایت ریخته شود. خزان گردد. حضرت می فرماید: «تناکحوا تناسلوا فانی اباهی بکم الامم و لو بالقسط» (۱) «یعنی زناشویی کنید تا فرزند آورید پس همانا من فخر می کنم به واسطه شما به امت های دیگر، گرچه به بچه سقط شده.» و معلوم است که انسان اگر در یک همچو راه خوفناکی واقع شود که بیم آن هم است که انسان را به پرتگاه نیستی اندازد و اسباب عقوبت والدین حقیقی او، یعنی رسول اکرم (ص) شود و آن سرور که «رحمة للعالمین» است از انسان سخطناک شود چقدر بدبخت است و چه مصیبت ها و گرفتاری ها در پس پرده دارد. پس اگر با رسول خدا (ص) آشنایی دارد و اگر محبت مولی امیرالمومنین (ع) راداری و دوست اولاد طاهرین آنها هستی، قلب مبارک آنها را از ترس و اضطراب و تزلزل بیرون بیاور. در آیه شریفه، در سوره هود وارد است: ۱- بحار، جلد ۱۰۳ و متدرک الوسائل جلد ۱۴، ص ۱۵۳. «فاستقم کما امرت و من تاب معک» (۱) یعنی استقامت کن و بر جایی ایست، آن طور که مدموری با کسی که توبه کرد با تو. و در حدیث وارد است که جناب رسول الله (ص) فرمود: «شیتنی سوره هود لمکان هذه الایه» (۲) «یعنی پیر کرد سوره هود برای خاطره این آیه» شیخ عارف کامل شاه آبادی (۳) روحی فداه فرمودند: با اینکه این آیه شریفه در سوره شوری (۴) نیز وارد است ولی بدون «و من تاب معک». جهت اینکه حضرت (ص) سوره هود را اختصاص به ذکر دادند برای آن است که خدای متعال استقامت امت را نیز از آن بزرگوار خواسته است و حضرت بیم آن داشته که مأموریت انجام نگیرد و الا خود آن بزرگوار استقامت

داشت، بلکه آن حضرت مظهر اسم حکیم عدل است. پس ای برادر من، اگر تو خود را از متابعان آن ۱-هود، ۱۱۲. ۲-علم الیقین، جلد ۲ و کشاف، جلد ۲. ۳-حدیث اول، پاورقی ۵۱. ۴-شوری، ۱۵. حضرت (ص) می دانی و مورد مأموریت آن ذات مقدس، بیا و نگذار آن بزرگوار در این مأموریت خجل و شرمسار شود و به واسطه کار زشت و عمل ناهنجار تو، تو خود ملاحظه کن اگر اولاد یا سایر بستگان تو کارهای زشت نامناسب کنند که با شئون تو مخالف باشد چقدر پیش مردم خجل و سرشکسته می شود، بدان که رسول اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع)، پدر حقیقی امت اند، به نص خود آن بزرگوار که فرمود: «انا و علی ابوا هذه الامه» (۱) «یعنی من و علی دو پدر این امت هستیم». و اگر ما را در مظهر ربوبیت حاضر کنند و حساب کشند، مقابل روی آن بزرگواران و از ما جز زشتی و بدی در نامه عمل نباشد به آن بزرگوارها سخت می گذرد و آنها را در محضر حق تعالی و ملائکه و انبیا شرمسار شوند. پس، ما چه ظلمی بزرگ کردیم به آنها و به چه مصیبتی مبتلا شدیم و خداوند متعال با ما چه معامله ای را خواهد کرد؟ پس ای انسان ظلم جهول که به خود ظلم کنی و به اولیاء نعم خود، که جان و مال و راحت خود را در راه هدایت تو فدا ۱-بحار، جلد ۳۶. کردند و با اشد مصیبت ها و ابتلا کشته شدند و زن و فرزند آن ها اسیر و دستگیر شدند در راه هدایت و نجات تو، در عوض آنکه تشکر از زحمات آنها کنی و پاس مراجع آنها را نگاه داری چنین ظلم فاحش کنی و گمان می کنی که فقط ظلم به نفس کردی، قدری از خواب غفلت بیدار شو و پیش نفس خود خجالت بکش و بگذار آنها را با همان ظلم هایی که از ادعای دین دیدند، دیگر تو که دعوی دوستی می کنی به آنها ظلم مکن که ظلم از دوست و مدعی دوستی ناگوارتر است و زشت تر. باید دانست که هواهای نفسانی بسیار مختلف و گوناگون است به حسب مراتب و متعلقات و گاهی به قدری دقیق است که انسان خود نیز از آن غافل شود که آن کید شیطانی و هوای نفسانی است، مگر آن که او را تبه دهند و از غفلت بیدار کنند و با همه اختلاف تمام آنها در سبب راه حق و منع طریق خدا شرکت دارند گرچه در مراتب آن متفاوت هستند چنانچه اهل اهویه باطله و اتخاذ خدایان از طلا و غیر آن چنانچه خداوند متعال از آن ها خبر داد. «افرایت من اتخذ الهه هوا» (۱) «پس آیا دیدی آنکه هوس خود را خدای خویش گرفته؟» و دیگر آیات شریفه، به طوری از خدا باز مانند و اهل متابعت هواهای نفسانی و اباطیل شیطانی در سایر عقاید باطله یا اخلاق فاسده، طور دیگر از حق محجوب شوند و اهل معاصی کبیره و صغیره و موبقات و مهلکات به حسب درجات آن به نوعی از سیل حق باز مانند و اهل متابعت هوای نفس در مشتهیات نفسانیه و رسیدن به درجات یا خوف از غذاب و رهایی از درکات به طوری دیگر محجوب از حق و سیل آن مانند و اصحاب تعذیب نفس و ارتیاض آن برای ظهور قدرت نفس و رسیدن به جنّت صفات به نوعی محجوب از حق و از لقاء آن هستند و اهل معارف و سلوک و جذبات و مقامات عارفین که نظری جز لقاء حق و وصول به مقام قرب ندارد نیز نوعی دیگر محجوب از حق و از تجلیات خاص محرومند. ۱-جاثیه، ۲۳. چون در آن نیز تلوین باقی و از خودی آثار هست. پس از این، مراتب دیگری است که ذکر آن مناسب مقام نیست پس هر یک از اهل مراتب مذکوره باید تفتیش حال خود کنند و خود را از هواهای نفسانیه پاک و پاکیزه کنند تا از سیل حق باز نمانند و از راه سلوک گمراه نگردند و ابواب رحمت و عواطف در هر مقامی هستند به روی آنها مفتوح گردد. «والله ولی الهدایه و التوفیق» خواهرم؛ فاطمه (س) صراط مستقیم زن مسلمان است و پوشیدگی نمود بارز مکتب او است، پس بکوش تا بر محور فاطمه (س) چرخیده باشی که حضرتش فرمود: «بهترین چیز برای زن آن است که به مردی نگاه نکند و مردی او را نبیند». (۱) خواهرم؛ جامه های مهیج، پوشش اسرار شهوت است و پوشش دینی لباس آزاد زنان همیشه تاریخ بوده است، تو نیز عطر حجاب بر تارک تاریخ بیفشان که فرشته های حجاب طلایه داران پاکی و نجابتند. (۲) خواهرم؛ بهای تو بهشت است، خود را به دنیا بفروش ۱-مستدرک الوسائل، جلد ۱۴، ص ۲۸۹. ۲-غرور الحکم. حجاب تن را به حجاب جانت بفروش. لذت جاودان را به شهوت فانی بفروش که این معاملات جملگی باطل است و خدا به فروش خلیفه اش رضایت ندهد. خواهرم؛ چشمهای مردان را کامیاب مکن که نگاه آنها آتش افروز است و اشک های تو توان خاموش کردن آنها را ندارد و نیک بدان که به باده شهوت مست و دچار هوس مدفون گشته اند، مگر آنکه با

ریسمان تو به درآیند و بر تارک عفت سر بر افرازند. ای صیاد دل ها که به صید آمده ای، به شکار دلی آمده ای که به شکار جسمت آمده است. عجا دو صیاد به شکار یکدیگر پرداخته اند که پیروزی هر کدام شکست هر دوی آنها و پیروزی ابلیس را به همراه دارد. خواهرم؛ صید و صیاد و دام شکار دل ها پیروزی ندارد، قربانی دارد. ای صیاد جوانان، چه ساده اندیش شده ای، انتخاب را به صید و ازدواج را به صیادی کشانده ای، نیک بدان که همسری صید و صیاد دوام ندارد و ازدواج فریب خوردگان شهوت بنیان ندارد. ای نطفه دیروز، ای مرده فردا، ای طعمه جنبندگان قبر، از چه روی خود را آتش گیر جهنم ساخته ای، ای چه کار است که به جنگ با خدا برخاسته ای و از جسم خود بر محو ارزش ها شمشیر ساخته ای؟ این مجری و سوسه های شیطان جن و انس که عقل تو را ابلیس ربوده است، ای کاش به زهر طبیعت رفته بودی تا اینگونه به تحریک جاسوسخانه های کفار لباسهای شیطانی به تن نمی کردی. هان ای خفته غافل، برخیز و به عاقبت خویش بیندیش که راه توبه باز است و انجام آن واجب است، خدایت هدایت کند. هان بر سر سودای هوس پا بزنی ای زن یک چند دم از عفت و تقوا بزنی ای زن دون همتی و بی هنری بر تو نزید حرف از هنر و همت والا- بزنی ای زن لفظ هنر و پیشه تحریف رها کن بگذر ز هوس راه به معنا بزنی ای زن از علم و فضیلت علم فخر و مباهات بر تارک نه گنبد مینا بزنی ای زن تا کی پی مُد رفتن و تقلید و تظاهر پا بر سر این شیوه بی پا بزنی ای زن دامن چه زنی بالا رو قیمت خود را با پاکی دامانت بال بزنی ای زن این جامه رسوا بدل ما زده صد چاک صد چاک بر این جامه رسوا بزنی ای زن پرهیز کن از جلوه گری، روی میفروز دل بر سر این کار به دریا بزنی ای زن نیکومنش و پاک شو آنگاه نکوروی با پاکی و نیکی ره دل ها بزنی ای زن زنهار سر ناصع و مشفق نرنی مشت مستی سر شیطان فریب باز بزنی ای زن در گوش چو در کن سخن نغز صدیقی هان بر سر سودای هوس پا بزنی ای زن کمتر از خانه برون پای بنه بی مادرت سربازار و محله اگر افتد گذرت به تماشای زر و زیور خود با مدار که هوس ها بدل افتد ز نگاه نظرت پس نگه دار نظر را و نگه دار هوس که همین بوالهوسی افکند اندر خطرت زانکه از بهر زر و زیور باید زر و سیم ترسم عصمت برود در طلب سیم و زرت بهترین زینت دختر نه مگر عصمت اوست خود تو دانی چه بگویم من از این بیشتت خواهرم؛ خوب بیندیش که روزی طراوت جوانی با وجودت وداع میگوید و کبوتر زیبایی از آشیانه ات پر می کشد و چروک های ناخوانده بر چهره ات می نشیند. پس چگونه کوتاه زمان جوانی را عرصه تاخت و تاز تحرکات جنسی خویش ساخته ای؟ بیدار شو و شرم و حیا پیشه کن جلوه گری تو شهوت مردان را بیدار و نوجوانان معصوم را به بلوغ زودرس جنسی می رساند. آیا از خدا نمی ترسی؟ ای به برترین حجاب آراسته ای، به کمال پوشش راه یافته، که با کاسبرگ حجابت چون غنچه های نو شکفته رو گرفته ای، چادر تو لیبک خالصانه به پیام حضرت معبود است که جز در پرتو عشقش به انتخاب آگاهانه آن نتوان رسید. ای عاشق مدهای رنگارنگ ای فریفته لباس های روشن و تنگ در خیابان چهره آرایش مکن از جوانان سلب آسایش مکن زلف خود را روسری بیرون مریز در مسیر چشم ها افسون مریز یاد کن از آتش روز معاد طره گیسو منه در دست باد خواهرم دیگر تو کودک نیستی فاشتر گویم عروسک نیستی خواهرم ای دختر ایران زمین یک نظر عکس شهیدان را بین خواهر من این لباس تنگ چیست پوشش چسبان رنگارنگ چیست خواهرم اینقدر تنازی مکن با اصول شرع لجبازی مکن در امور خویش سرگردون مشو نو عروس چشم نامردان مشو ای فریفته لباس های روشن و تنگ که از دنیا به شوق آمده ای هیچ اندیشیده ای که این شوق حزن آخرت را به همراه دارد؟ به شبی بیندیش که از پس آن فردایی نباشد و به خانه ای بیندیش که از آن تنگ تر و تاریکتر نباشد. خواهرم؛ عقل مشعلی است که چون شعله های تفکر از درونش زبانه کشد، خانه قلب روشن گردد، آنگاه چشم می بیند آنچه را نمی دید و گوش می شنود آنچه را که نمی شنید و زبان می گوید آنچه را که نمی گفت و قلب می فهمد آنچه را که نمی فهمید. در چنین حالی است که مناظر زیبای آثار حجاب بر صفحه دل آشکار می گردد و آثار زیانبار جلوه گری از زیر لایه های تاریک جهل آشکار می شود و امیر عقل به برپایی خیمه حجاب در برابر نامحرمان فرمان می دهد. خواهرم؛ اقیانوس دل مردان ساحل ندارد و از ژرفایی مهیب برخوردار است، پس مبادا که آن را به موج آوری که در نا آرامی آن خطرها

نهفته است که بین زنان و مردان مستقیم می شود، سپس با پوشیدگی کامل خود آرامش مردان را پاس بدار تا خود در آرامش بمانی و ای ساکن دیار حجب و حیا، چه عارفانه به میدان آمده ای، پوشش دینی تو پاکان روزگار را به شوق، آورده است. چرا که این پوشش از زره جنگاوران میدان رزم بسی والاتر است که آن زره میدان جهاد اکبر و ای ساکن وادی عشق که خدا را معشوق خود ساخته ای، دانسته بودم که عاشق انتخاب هایش را به معشوق وا می گذارد و دیدم که خلعت زیبای حجاب به انتخاب معشوق تو بوده است، پس مبارک باد که حجاب اسلامی لباس عشق به خداوند متعال است. ای به زینت حجاب آراسته ای، به مقام عفاف بار یافته، که چون فرشته ای بر اریکه پاکی نشسته ای، اصولت حجاب چشم ها را خاضع کرده است و سطوت حیات دل ها را آرام کرده است. بگذار بگویم که تحقیر هوس ها بزرگت ساخته است. شکر خدای را که این گونه خواسته است. حجت و عفت نعمت واهب بود ستر موها و تنت واجب بود آنچه مستثنای از پوشش بگذشت قرص صورت باشد و کفین دست و ای گوهر آفرینش چه نیکو مقامی داری که فاطمه (س) از افق او تجلی کرد و مریم و زینب از آسمان او درخشیدند و آسیه و خدیجه از هستی او طلوع کردند، سپس گوهر وجود خود را به صدف حجاب زینت بخش که حجاب اسلامی از جلوه های زیبای بندگی است. ویژگی های جسمانی زن از اسرار اوست و حجاب حافظ اسرار زیبایی های زن است، پس مبدا اسرار خود را بر نامحرم افشا کنی که بر خود خیانت روا داشته ای و خداوند خیانت پیشگان را دوست ندارد. خواهرم؛ سرزمین جانت را با خورشید علم روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آنچنان که هستی خود را بشناسی و بر فلسفه و آثار و برکات پوشیدگی زن بینا گردی. آنگاه دریایی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشم هستی است و پوشش های مهیج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا خواهد کرد و نمونه های کامل به حق پیوسته فرشته های حجاب را مشاهده کنی که چگونه بر احب کینز کان شیطان نگاه هایی عبرت آمیز دارند و بر هدایت خوش دل به سپاس حق مشغول ساخته اند. خواهرم؛ حجاب تیغ تو است که از مو نازکتر و از شمشیر برنده تر است. خواهرانم حجاب تیغ شماس است تیغ خود را از کف نیندازید شرف زن به یمن عصمت اوست این شرف را از تن نرنجانید هر شاخه که از باغ برون آرد سر در میوه آن طمع کند راهگذر هان ای خواهر و ای هم وطن روی سخنم با تو است. تو که از پوشش اسلامی خود غفلت کرده ای. با تو که فرمان خدا را نادیده گرفته ای. با تو که از فرمان خدا و اهل بیت (علیه السلام) سرپیچی کرده ای و خودت را گم کرده ای. با تو که چادرت را کنار گذاشته ای و روسری ات بالا برده ای و موهایت را نمایان کرده ای. با تو که جوراب نازک پوشیده ای و یا کفش صدا دار به پا کرده ای. با تو که با این مد لباس گشتن و با بالا زدن پارچه های شلوارت و با مانتوهای تنگ و کوتاه چرا خودت را گول می زنی، آخر تا کی. آیا می دانی که فرمان آفریدگارت را زیر پا گذاشته ای؟ آیا می دانی که به تمدن ملی خود پشت کرده ای؟ آیا می دانی که پرچم اسلام را بر زمین گذاشته ای و به لباس بیگانگان در آمده ای؟ آیا می دانی که بنیان خانواده ات را سست و بیماری های جسمی و روانی بیشمار را برای خود و دیگران ایجاد کرده ای؟ آیا می دانی که اسیر مد لباس و نمایش تن گشته ای و آزادیت را فروخته ای؟ آیا می دانی که شخصیت خود را با چشم های هوس آلود هرزه به مسخره گرفته ای؟ آیا می دانی که به رسالت تاریخی زن در طول تاریخ خیانت کرده ای؟ آیا می دانی که بیماری روانی خود را به این وسیله به نمایش گذاشته ای؟ آیا می دانی که دشمنان همان را می خواهند که تو می خواهی؟ آیا می دانی که دل اما زمان (ع) را با این کارهای خون کرده ای؟ پس بیدار شو و به اصالت خویش باز گرد. پوشش خود را کامل کن و خود و جامه ات را از فواید حجاب بهره مند گردان. پس خواهرم؛ تقوای الهی پیشه کن، که تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لانه های هوس را بر می اندازد. پس آن را به کام جان خود ریز تا عالم جانت گلستان گل های سالم و طاعت تسلیم گردد. و خیمه حجاب را برافراشته دار تا حافظ گلستان ارزش هایت شود. ۱- چرا اسلام حجاب را بر زنان واجب کرده است؟ ۲- کدام آیه قرآن به این نکته اشاره دارد که کامیابی های جنسی مخصوص همسران است؟ ۳- کدام زن از پیامبر پرسید که آیا آیه ای درباره زنان نازل شده است یا نه؟ ۴- سه چیز است که انسان اگر آنها را حفظ نماید در امان خواهد بود

آنها را نام ببرید. ۵- حدیث معروف پیامبر درباره خوبی دختران را بنویسید. ۶- آیا چشم چرانی بر زنان نیز حرام است؟ دلیل بیاورید.

۷- آیاتی که به حجاب اشاره دارد را فقط نام ببرید. ۸- حدیث معروف اما صادق درباره نگاه را بیان کنید. ۹- روش های ترویج حجاب را بیان کنید. ۱۰- پایه های حجاب را نام ببرید. ۱۱- آثار و فوائد حجاب را به طور خلاصه بیان کنید. ۱۲- آثار بی حجابی را نام ببرید. ۱۳- ریشه های بی حجابی را بیان کنید. ۱۴- ۵ مورد از راه های مبارزه با بی حجابی و بد حجابی را بنویسید. ۱۵- بدترین زنان از نظر پیامبر چه زنانی هستند. ۱۶- سه مورد از ده دستور قرآن به زنان مومنه را بنویسید. ۱۷- انحفات زنان نادان در عصر پیامبر ۴ مورد را بیان کنید. ۱۸- سه مورد از عذاب زنان که پیامبر در معراج دیده بود را همراه علت آن بیان کنید. ۱۹- اثرات روانی و پزشکی چشم چرانی را نام ببرید. ۲۰- انتقادات و پیشنهادات خود را بیان کنید.